
جوان و موسیقی
میرزا مهدی آقابابایی

بسم الله الرحمن الرحیم

جوان و موسیقی

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جوان و موسیقی

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۱

عنوان و نام پدیدآور:جوان و موسیقی/ مهدی آقابابایی.

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه , رایانه

موضوع: جوان – موسیقی

مقدمه

بِسْمِ اللّه الرحمن الرحیم

اخوان الصفا درباره‌ی ریشه موسیقی می گویند:

«یکی از اسباب وضع قواعد و قوانین موسیقی اینست که چون حوادث و وقایعی از ناحیه موجبان نجومی و تاثیرات که کواکب و اجرام مساوی پدید می‌آید مانند قحط و@ غلاء و خشک سالی و جز آنها، خواستند راهی پیدا کنند که از این گونه بلیات و حوادث ناگوار نجات یابند و به جهت این که هنگام اشتغال به عبادت حالت رقت قلبی به آنها دست دهد، الحانی به کار می‌بردند که لحن محزون می‌نامیدند. کم کم لحن دیگری را استخراج نمودند به نام مشجع، که رؤسای لشکر در جنگ‌ها به کار می‌بردند و لحن دیگری استخراج کردند که در بیمارستانها و اوقات سحر، برای تخفیف مرضها به کار می‌بردند و بسیاری از امراض را به وسیله آن الحان علاج می کردند.

لحن دیگری را استخراج کردند که در هنگام انجام کارهای دشوار مانند حمّالی، بنایی و ملاحی به کار می‌بردند تا بدین وسیله دشواری کار را احساس نکنند.

لحن دیگری استخراج کردند که در هنگام فرح و لذت و سرور و عروسیها و ولیمه‌ها به کار می‌رفت. الحانی خاص برای حیوانات و تشویق آنها درست کردند که شتربانان آن را در سفر به کار بردند و یا در تاریکی شب به کار بردند تا این که شتران به نشاط آیند و بار را بر آنها سبک نماید. همین طور گوسفندچرانها و گاوچرانها و اسب‌چرانها در هنگام آب دادن به حیوانات سوت می‌زنند و صفیر می کشند که این خود لحنی از موسیقی است.

همین طور شکارچیان الحانی در تاریکی شب به کار می‌بردند تا طیور و حیوانات به آنها نزدیک شوند. زنان برای اطفال خود الحانی درست کردند تا گریه آنها را آرام نموده، خوابشان نمایند. (معارف معاریف)

این حالاتی از موسیقیست که در زمان گذشته استفاده می‌شده، ولی در حال حاضر با موسیقی چگونه برخورد می‌شود؟

البته این حالات هنوز هم کم و بیش در بین مردم موجود است، ولی بحث ما بر سر آن موسیقیست که متاسفانه جامعه ما را به طرف فساد و تباهی می کشاند، افکار جوانان ما را منحرف و تخریب می‌نماید و بعضاً ضررهای بسیار مخربی را بر پیکره آنها وارد می کند. یک سری اصوات و الحان نابود کننده‌ی فکر و اعصاب و روان. آیا موسیقی که اکثر جوانان ما در حال حاضر از آن استفاده می کنند، اصلاً بهره‌ای از هنر موسیقی دارد یا صرفاً برای لهو و لعب، مجالس عیش و نوش، شب نشینیها و عروسیهاست؟

آیا این گونه موسیقی‌ها – که بیشتر منافع دشمنان ما را در بر دارد تا خود ما – ابزاری برای روح و تسلی خاطر است؟

یا ابزاریست برای دشمنان و نابود کننده‌ی اعصاب و روان ما که به شدت باعث نامتعادل شدن اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک

می گردد؟!

چرا شرع مقدس ما آن را حرام کرده؟ چه سودی در تحریم این گونه موسیقی نصیب شرع مقدس می‌شود که سر مخالفت با آن گذاشته؟ چرا ائمه اطهار عَلَیْهِمُالسَّلَام با آن مخالفت نموده‌اند؟ شما این ضرر را متوجه چه کسی می‌دانید؟ متوجه شارع، یا متوجه مراجع یا علماء که تبیین کننده نظرات ائمه عَلَیْهِمُالسَّلَام هستند، یا صرفاً متوجه خود شخص استفاده کننده؟

اگر از جنبه و دیدگاه علمی به آن نگریسته شود متوجه می‌شویم همانطوری که تاکنون اثبات شده، ائمه معصومین عَلَیْهِمُالسَّلَام و علماء و مراجع صرفاً به فکر سلامت بشر هستند و بر همین اساس می‌فرمایند:

«موسیقی مهیج و مطرب باعث مضرات مختلفه برای اعصاب و روح و روان خود استفاده کننده است».

و الا چه اشکالی دارد که شارع مقدس می‌فرمود:

برای آرامش روح و روان خود روزی چند دقیقه صرف گوش کردن موسیقی کنید؟ ولی می‌بینیم خلاف این مطلب را بیان می‌فرماید! چرا؟ چون ساختار فیزیکی و متافیزیکی ما با موسیقی‌های مبتذل سنخیتی ندارد.

کتابی که پیش رو دارید پیرامون جوان و موسیقی می‌باشد که شامل هشت فصل می‌باشد، که برگرفته از آیات و روایات و سخنان بزرگان و اندیشمندان و فتاوای مراجع بزرگوار تقلید و بیماری‌ها و امراض موسیقی می‌باشد و در پایان هم آلات موسیقی معرفی شده است و از خداوند تبارک و تعالی خواستار توفیق روز افزون فراگیری احکام و عقائد و اخلاق هستیم.

اگر هم نقصی و مشکلی در کار است ما را با انتقادات سازنده و ارزنده‌ی خود یاری نمائید.

ثواب این کتاب را هدیه می‌کنم به ولی نعمت ما ایرانیها، حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیهما السلام.

پایان یافت در شام شهادت صدیقه‌ی کبری، فاطمه زهرا عَلَیْهاالسَّلَام.

میرزا مهدی آقابابایی

۱۸ / ۳ / ۱۳۸۷

فاطمیه ۱۴۲۹

فصل اول، مفهوم غنا و موسیقی

اشاره

قبل از آنکه به موضوع بحث بپردازیم لازم است با مفهوم لغوی و فقهی غنا و موسیقی و آنچه مربوط به این دوست آشنا شویم، زیرا چنان چه ماهیت غنا و موسیقی برای ما روشن نشود موضوع بحث مجهول خواهد ماند و این موجب ابهام در حکم نیز می گردد.

۱ – معنای لغوی موسیقی

اصل واژه‌ی موسیقی یونانی است که در زبان عربی و فارسی نیز استعمال می‌شود.

اهل لغت مفهوم آن را با عبارتهای گوناگون بیان کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف: در اقرب الموارد آمده است:

«الموسیقی فنُّ الغناء و التطریب، یونانیتها موسیکی و صاحب الفن موسیقی».

موسیقیا به معنای فن آوازه خوانی، سرود خوانی و شادی کردن است؛ لفظ یونانی آن موسیکا می‌باشد و صاحب این فن [در زبان عربی] موسیقی می گویند. (۱)

ب: در المعجم الوجیز می‌خوانیم:

«الموسیقی یطلق علی فنون العزف علی آلات الطرب – الموسیقی المنسوب الی الموسیقی، الموسیقار: مَنْ حِرْفَتَهُ الموسیقی».

موسیقا لفظیست که بر فنون و نواختن آلات طرب اطلاق می‌شود.

موسیقی به کسی گفته می‌شود که با موسیقی ارتباط داشته باشد و به آن منسوب گردد.

موسیقار کسیست که حرفه و شغلش موسیقی باشد (۲)

عبارت فوق در المعجم الوسیط نیز آمده است (۳)

شکی نیست که موسیقی مطرب را همه‌ی علما حرام می‌دانند. بسیاری از مردم فکر می‌کنند که موسیقی باید به نظر هر شخص و طبع هر فردی طرب آور باشد، در حالی که مطرب بودن عرفی و نوعیست و بسیاری از مردم موسیقی اصیل و سنتی را حلال و موسیقی مبتذل را حرام می‌دانند؛ در حالی که اگر مطرب باشد، فرقی بین اصیل و غیر آن نمی‌کند.

۲ – مفهوم نوت = نت

فرهنگ زبان فارسی «نوت» را این گونه معنا کرده است:

نوت (= نت): نشانه‌هایی که به وسیله‌ی آنها آوازهای موسیقی را نشان می‌دهند، دو، ر، می، فا، سل، لا، سی.

در فرهنگ معین نیز «نوت» را شبیه عبارت فوق معنا کرده و سپس چگونگی کاربرد هر یک از آن هفت نشانه را توضیح داده است (۴)

۳ – معنای لغوی غناء

اکثر علماء و لغویین «غناء» را تفسیر کرده‌اند به: ترجیع آوازی که شنونده را به طرب آورد. (۵)

صوت لهو یعنی؛ آوازی که از روی لهو و التذاذ از قوه‌ی شهویه بیرون آید اعم از این که در عرف آن را سرود و خوانندگی بگویند مانند غنای در اشعار یا نگویند به واسطه‌ی آن کلمات قرآن یا مرثیه باشد اگر چه مشتمل بر طرب نباشد، پس در تحقیق غناء فرقی نیست بین اشعار و قرائت قرآن یا مرثیه و غیر اینها، چون اذان بلکه حرمت غناء در مراثی و قرآن شدیدتر است و معصیت آن بیشتر و عقاب آن مضاعف است (۶)

فقهای عالی قدر در تعریف غناء می‌فرمایند:

«مد الصوت المشتمل علی الترجیع المطرب»

غناء عبارت است از: کشیدن و چرخانیدن صدا در حلق به حالتی که مناسب مجالس لهو و باطل (مطرب) باشد (۷)

غناء و جمیع خوانندگی را در فارسی «سرود» می‌گویند و در میان عرب اکنون هم می‌شنویم کسی را که می‌خواهند بگویند خوانندگی کن، می‌گویند:

«تَغَنَّ»

یعنی:

غناء بکن. (۸)

۴ – معنای ترجیع

ترجیع را تفسیر کرده‌اند به: تکریر و حرکت دادن آواز در گلو. (۹)

صاحب قاموس و صحاح گفته‌اند:

ترجیع، گردانیدن آواز در حلق است و صاحب نهایه توجیع را تصور نموده به این که بگوید:

آ آ آ آ و سایر اهل لغت هم قریب به همین مضمون گفته‌اند و خلاصه ترجیع همانست که در اصطلاح خواننده‌ها تحریش گویند. (۱۰)

بنا بر این ترجیع عبارت است از: آوا، آهنگ دادن به صدا، زیر و بم و چهچه‌ی صدا.

۵ – معنای طرب (مطرب)

حالتیست که از آن برای آدمی خوشحالی یا اندوه حاصل می‌شود. (۱۱)

طرب را در صحاح این طور معنی کرده:

(الطرب خفه یصیب الانسان شده حزن او سرور) (صحاح، قاموس)

طرب یک سبکیست که به سبب اندوه زیاد یا خوشحالی فوق العاده به انسان دست می‌دهند.

و قریب به همین معنی را سایر اهل لغت ذکر کرده‌اند.

پس طرب حرکتیست در طبع، از سرور یا اندوهی که ناشی از شنیدن سازها و آوازهای خوش است حاصل می‌شود. (۱۲)

به فیض کاشانی (قدّس سره) و خراسانی (قدّس سره) نسبت داده‌اند که این دو بزرگوار منکر حرمت غناء شده‌اند.

امام خمینی (قدّس سره) در این مورد می‌فرماید:

این نسبت بر خلاف ظاهر کلام این دو بزرگوار است؛ بلکه ظاهر کلامشان اینست که غناء دو قسم است:

غنای حق و غنای باطل.

غنای حق در مورد اشعاریست که ذکر بهشت و جهنم و تشویق مردم به آخرت را در بر دارد.

غنای باطل همان چیزیست که در مجالس اهل لهو و باطل مثل مجالس بنی امیه و بنی عباس بوده است و سخن مرحوم فیض و مرحوم خراسانی ثابت نشده است که بر خلاف اجماع یا مذهب باشد. (۱۳)

پس طرب عبارت است از: حالتی که در اثر غم یا شادی به انسان دست می‌دهد به گونه‌ای که در اثر آن، حرکات سبک و خلاف شأن، وقار و متانت از او صادر گردد.

۶ – معنای لهو

خلاصه‌ای از تعریف‌ها و واژه‌ی لهو و مشتقات آن:

در این بیانات که نسبت به واژه‌ی لهو و مشتقات دیگرش در این تعریفها هست در هر یک گوشه‌ای از ابعاد معنای آن را روشن کرده‌اند که خلاصه‌اش از این قرار است:

۱ – لهو آن است که از حالت جدی و واقعی به حالت هزل و شوخی می‌کشد.

۲ – و آن که دوام و بقاء ندارد، بلکه زودگذر است.

۳ – و از آخرت فراموشی می‌آورد و عاقبت اندیشی را از ذهن بیرون می‌برد.

۴ – نفس انسان را یک ترویح و خوشی می‌بخشد که غیر حکیمانه و غیر عقلایی است.

۵ – انسان را مشغول به چیز باطل و دروغین کرده و از حقایق واقعیات و حتی یاد آنها به کلی منصرف می‌کند.

این لغت با دقتهایی که علمای لغت در آن کرده‌اند دارای این چنین ابعادیست که هر یک از علمای ادبیات عرب به گوشه‌ای از آن توجه کرده‌اند.

(۱۴)

در کتاب جوامع الجامع در معنای لهو و لهو الحدیث چنان آمده است:

لهو: یعنی هر نوع باطلی که انسان را از کار خیر باز دارد و لهو الحدیث عبارت است از: طعنه زدن در حق و استهزای به آن و بیان خرافات و سخنان خنده آور و غنا و آلات موسیقی. (۱۵)

سخنان بزرگان پیرامون تعاریف واژه‌های موسیقی و غنا

در پایان این فصل شایسته است با برخی از سخنان بزرگان و مراجع و فقهای اسلام در تعریف این واژه‌ها آشنا شویم.

۱ – مرحوم سید در رساله‌ی وسیله این طور می‌فرماید:

غناء حرام است و گوش دادن به آن و کسب کردن به آن حرام است و تنها صدای خوب غناء نیست بلکه عبارت است از: کشیدن صدا و گردانیدن آواز در حلق به کیفیت مخصوصه‌ای که طرب آور و مناسب مجالس لهو و لعب و محفل اهل معصیت و طرب باشد و نیز با آلات موسیقی ملایم و موافق باشد (۱۶)

۲ – بین فقهای شیعه در حرام بودن غناء اختلافی نیست و اجماع و اتفاق ایشان در حرمت غناء مسلم است و صاحب مستند حرمت غناء را از جمله‌ی ضروریات دین دانسته و صاحب ایضاح اخبار وارده در حرمت غناء را به حد تواتر شمرده است.

بلی در معنی غناء و حقیقت آن مختصر اختلافیست و آنچه را که شیخ انصاری علیه الرحمه در معنی غناء بیان فرموده مورد تأیید و فتوای اکثر مراجع و علمای اعلام است.

غناء عبارتست از: آوازی که طرب آور بوده (یعنی بالقوه، هر چند بالفعل هم به سبب موانعی طرب آور نباشد) و مطابق با لحن فساق و فجار باشد و نیز مناسب با آلات موسیقی و رقص (مانند اقسام تصنیفها) باشد چنانچه در عرف آن را آواز پای تار، یا تنبک می‌گویند و از شنیدن آن جهت شهوت تحریک شده و شخص به التذاذات شهوانیه مایل می‌شود. (۱۷)

۳ – موسیقی مطرب و لهوی آن است که به سبب ویژگی‌هایی که دارد انسان را از خداوند متعال و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی‌بند و باری و گناه سوق می‌دهد و مرجع تشخیص موضوع عرف است (۱۸)

موسیقی مطرب: معنای مطرب اینست که حالت غیر عادی از نظر وجد و نشاط به وجود آورد. (۱۹)

موسیقی به یک تعریف، ترکیب اصوات است به نحوی که خوش آیند باشد اگر مناسب مجالس لهو و لعب باشد حرام است و گر نه اشکالی ندارد. (۲۰)

۴ – آیت الله گلپایگانی (قدّس سره) در معنای غنا و حکم آن می‌فرمایند:

غنا کشیدن صدا و دور دادن آن به کیفیت خاصه‌ی طرب آور است که مناسب با مجالس انس و طرب و موافق با آلات لهو ولعب است و خواندن به نحو غنا و گوش دادن به آن و تکسب به آن حرام است و فرقی نمی‌کند که همراه با آلات لهو خوانده شود یا نه و در کلام باطل استعمال شود یا در قرآن یا دعا یا مرثیه یا شعر. (۲۱)

مقام معظم رهبری (دامت برکاته) پیرامون غنا و موسیقی و موسیقی و اصیل و سنتی می‌فرمایند:

غنا خوانندگی مطرب و ملهی متناسب با مجالس عیش و نوش است و موسیقی نوازندگی با همان اوصاف است و در حکم با هم فرقی ندارند و هر دو حرام است.

آیت الله العظمی تبریزی (قدّس سره): غنا (آوازه خوانی مناسب مجالس خوشگذرانی که از مضمون باطل باشد) گوش دادن به آن

حرام است و بنا بر احتیاط واجب باید از مطلق خوانندگی که با ترجیع صوت و (چهچهه) است و لو در مضمون باطل نباشد اجتناب نمود و نیز موسیقی لهوی (نواختن با آلات مخصوصه که مناسب خوشگذرانی باشد) و گوش دادن به آن حرام است موسیقی ای که مناسب خوشگذرانی باشد حرام است و بین انواع آن فرقی نیست چه سنتی باشد یا غیر آن.

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (قدّس سره): غنا: آوازیست که در آن صدا را در گلو می‌گردانند که بر زبان عربی چهچهه می‌گویند و طرب انگیز هم باشد و مناسب مجالس لهو و لعب هم باشد این حرام است و موسیقی به یک تعریف ترکیب اصوات است له نحوی که خوش آیند باشد لذا اگر مناسب مجالس لهو و لعب باشد حرام است (۲۲)

مستثنیات موسیقی و غنا

استثنائات از حرمت غناء در تاریخ

برای نشاط بخشیدن به هنگام انجام کارهای مشکل، آن گونه که در تاریخ اسلام در مسأله‌ی حفر خندق آمده یا اشعاری که «انجشه» به هنگام حرکت قافله به سوی مکه در حجه الوداع برای تحریک شتران می‌خوانده است؛ اما آنچه امروز در میان «صوفیه» معمول است که انواع آلات طرب را در این زمینه به کار می‌برند حرام است.

آنچه را قرطبی به صورت استثناء بیان کرده از قبیل: خواندن «حدی» (آواز مخصوص) برای شتران یا اشعار مخصوصی که مسلمانان با آهنگ به هنگام حفر خندق می‌خواندند، به احتمال قوی اصلاً غنا نبوده و نیست و شبیه اشعاریست که گروهی با آهنگ مخصوص در راهپیمایی‌ها یا مجالس جشن و عزاداری مذهبی می‌خوانند.

ذکر این نکته لازم است که گاه برای غنا دو معنی ذکر می‌شود:

«معنی عام» و «معنی خاص».

معنی خاص: یعنی آهنگ‌های تحریک شهوات و متناسب با مجالس فسق و فجور؛ ولی معنی عالم، هر گونه صورت زیباست و لذا آنها که غنا را به معنی عام تفسیر کرده‌اند بر آن دو قسم قائل شده‌اند؛ «غنای حلال» و «غنای حرام».

منظور از غنای حرام همان است که گفته شد و منظور از غنای حلال، صدای زیبا و خوشیست که مفسده انگیز نباشد و متناسب با مجالس فسق و فجور نگردد. (۲۳)

خوب خواندن و غناء دوتاست

در حدیث نشانه‌های نزدیکی قیامت می‌فرماید:

مردمانی می‌آیند که قرآن را برای منظور دنیوی یاد می‌گیرند و قرآن را مانند خواندن و نواختن در آلات موسیقی و به طرز غناء می‌خوانند.

قال رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم:

فعندها یکون اقوام یتعلمون القرآن لغیر الله و یتخذونه مزامیر و یتغنون بالقرآن (۲۴)

احادیث وارده در استحباب نیکو خواندن قرآن (۲۵) منافاتی با حرمت غناء در قرآن ندارد زیرا مجرد تحسین صوت و کشیدن و یا ترجیع و گردانیدن صدا که آواز را نیکو گرداند غناء نیست چنان چه بیان گردید.

صدای خوب مانعی ندارد

ولی اگر تنها صدای خوب و کشانیدن و گردانیدن در حلق بدون کیفیت مزبور باشد (طرب آور نباشد) مانع ندارد. چنانچه رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فرمود:

قرآن را بـا لحن و لهجه‌ی عرب بخوانیـد و از خوانـدن و لهجه‌ی اهل فسق و گناهان کبیره بپرهیزیـد، به درستی که مردمانی می‌آیند که در خوانـدن قرآن ترجیع می‌کنند مانند ترجیع غنایی (یعنی به کیفیت غناء قرآن را می‌خوانند) و مثل خواندن نوحه‌گر و رهبانیه (چنـانچه بین نصـارا متـداول است) و قرآن از گلوی آنهـا نمی‌گـذرد (یعنی مقصودشان تـدبر در معانی قرآن نیست بلکه آواز خوانی است) دلهای ایشان و کسانی که کارشان را می‌پسندند وارونه و از حق کج است.

(۲۶)

غنا و موسیقی در مجلس عروسی زنانه

اشاره

متأسـفانه در زمان حال که وسایل گناه و موسـیقی پیشـرفت کرده و تنوع خاصی در رنگارنگی بزهکاری‌ها مشاهده می‌شود، عده‌ای که می‌توان گفت کم هم نیستند، شب عروسی خویش را شب گناهان کبیره‌ای مانند:

ترانه خوانی، رقاصـی و (... که گفتن و نوشـتن، عرق شرم را بر چهره‌ی انسان می‌نشاند) به پایان می‌رسانند با این توجیه شیطانی که «یـک شب هزار شب نمی‌شود و حال این که زمانی این کار، زشتی و قبـح بیشتری به خود می‌گیرد که اکثر این افراد، شب عروسـی خود را به اصـطلاح برای تیمن و تبرک شب میلاـد پیـامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و سـایر معصومین عَلَیْهِمُ‌السَّلَام. یـا اعیاد مبارک و مقـدس چون عیـد قربان، عید غدیر خم، شب میلاد مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی عَلَیْهِ السَّلَام و مانند آن قرار می‌دهند و ان شب‌های پاک و با صفا را با گناهان مختلف و متنوع شب عروسی، ضایع می‌کنند.

پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم وقتی متولد شد.

بساط فساد، مظاهر فسق، فجور، ظلم و جور به لرزه افتاد، اینها در شب میلاد او بساط فسق بر پا می‌کنند.

جای بسـی تأسف است که گاهی دیـده می‌شود عـده‌ای از انسان‌های متدین و نماز خوان، در مراسم عروسـی خویش یا فرزندانسان نسبت به گناهان سهل انگاری و بی‌مبالاتی می‌نمایند و در مجلس خویش به بهانه‌ی این که «یک شب هزار شب نمی‌شود» موسیقی، آوازه خوانی، بی‌حجابی و ... را امری جایز می‌داننـد. ای غافلان! اگر در همان لحظات عمرتان به پایان برسـد و مرگتان فرا رسد در پیشـگاه خداونـد عز و جـل چه جوابی داریـد که بدهیـد؟ آیـا نمی‌شود که مراسم عروسـی را بـا شادی و خوشـی به انجام رسانیـد و معصـیت خـدا را هم مرتکب نشـد؟ برگزاری برنامه‌هـایی چون مـداحی و خوانـدن اشـعار و اجرای نمـایش و (... البته مباح و موافق شرع) از اموری هسـتند که می‌توان در مراسم شـادی مورد اسـتفاده قرار داد. این گونه برنامه‌هـا ضـمن این که مهمان‌ها را سـرگرم و راضی می‌کند، سبب مسرت و شادی ایشان می‌گردد، گناهی هم صورت نمی‌گیرد.

اسـلام حتی برای شب عروسـی و زفـاف آدابی را متـذکر شـده است، از جمله این که شب زفاف وقتی عروس و داماد در منزل خود جهت آغاز زنـدگی مشترک وارد شونـد، وضو بگیرند و دو رکعت نماز شـکر به جا آورند و به این وسـیله از خداوند متعال، خیر و برکت را برای خویشـتن مسألت نمایند و کام زندگی مشترکشان را با یاد خدا باز کنند؛ ولی متأسفانه غالباً کام زندگی مشترکشان با گنـاه بر داشـته می‌شـود که بـا این توصـیف معلوم است که چه شب زفـافی می‌شـود و چگـونه زنـدگی ای خواهـد داشت. غفلت و بدبختی این چنین افرادی به حدی می‌رسد که دست به گناهان گوناگون و بزرگی می‌زنند و در عین حال مباهات و افتخار می‌کنند که گناه می‌کنند، چنان به عمل خویش مغرورند که در هنگام گناه انسانیت را به فراموشـی می‌سپارند و متوجه نیستند که چه جنایت

بزرگی را مرتکب می‌شوند به راستی چگونه می‌شود که آدمی گناه می‌کند و بر آن افتخار می‌کنند! (۲۷)

شرایط سه‌گانه:

عده‌ای از فقهاء غنا را در مجلس عروسی به سه شرط از موضوع حرمت غنا خارج کرده‌اند:

اول:

مرد، هر چند محرم باشد در آن مجلس نباشد.

دوم:

در خواندن نشان باطلی نگویند (دروغ و فحش)

سوم:

آلات لهو و وسایل موسیقی استعمال نکنند و نیز جمعی از فقهاء، استعمال دف (دایره) را در مجلس عروسی جایز دانسته‌اند و شهید و محقق ثانی فرموده‌اند به شرط آنکه حلقه نداشته باشد.

لیکن احتیاط در ترک هر دو است؛ یعنی استعمال آلات لهو حتی در مجلس عروسی و آواز خواندن زنان در مجلس مزبور حتی با اجتماع شرایط سه‌گانه مزبور باید ترک شود. (۲۸)

فصل دوم؛ پیشینه‌ی موسیقی و غنا

اختراع موسیقی و غنا

گاهی خوبی و بدی چیزی را از طریق شناخت مخترع و بنیانگذار آن می‌توان به دست آورد؛ یعنی اگر عمل و روشی به وسیله‌ی شخص محترمی، یا با سفارش او بنیان گذاشته شود یا رواج یابد، معلوم می‌شود آن عمل پسندیده و موجب تقرب به خداست.

همچنین اگر عمل و سنتی به وسیله‌ی شخص خبیثی تأسیس و بنیان گذاشته شود در می‌یابیم که آن عمل ناپسند و باعث دوری از رحمت خدا می‌شود.

بر اساس دلایل موجود و روایاتی که در دست داریم، موسیقی و غنا به وسیله‌ی شیطان ملعون اختراع شده و در طول تاریخ به وسیله‌ی افراد غیر متعهد و بی‌مبالات به دین، مانند:

سلاطین جود و مأموران فاسق آنان رواج یافته است.

مخترع موسیقی

همان طوری که اشاره شد در برخی روایات، اختراع موسیقی به شیطان نسبت داده شده است:

۱ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

وقتی حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام رحلت نمود، ابلیس و قابیل با رحلت او خوشحال شدند آن دو در اجتماعی شرکت جستند و به نشانه شادی برای مرگ آدم عَلَيْهِ السَّلَام از طنبورها (۲۹) و وسایل لهو (موسیقی) استفاده کردند.

پس هر کسی در روی زمین از این وسایل لذت می‌برد از پیروان ابلیس و قابیل می‌باشد.

(۳۰)

از این حدیث استفاده می‌شود که مخترع اصلی موسیقی و نوازندگی شیطان و قابیل می‌باشند.

مخترع غنا

در برخی دیگر از روایات اختراع غنا به شیطان منسوب و از او به عنوان اولین خواننده یاد شده است.
در تفسیر عیاشی ا ز جابر بن عبدالله انصاری و از پیامبر گرامی اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم روایت کرده است:
شیطان نخستین کسیست که آوازه خوانی کرد و اولین کسیست که نوحه‌گری نمود و اولین کسیست که حدی خواند، هنگامی که آدم عَلَیْهِ السَّلَام از (میوه‌ی) درخت خورد، شیطان آواز خوانـد و هنگامی که از بهشت اخراج شد و هبوط کرد، حدا خواند و زمانی که در زمین مستقر شـد نوحه‌گری را آغاز کرد که به وسیله‌ی آن نعمت‌های بهشت را برای آدم عَلَیْهِ السَّلَام یادآوری می‌کرد و تا اندوه آدم عَلَیْهِ السَّلَام افزون گشته و شیطان خوشحال گردد. (۳۱)
از این دو حـدیث روشن می‌شود که غنـا (آوازه خوانی) و موسـیقی (نوازنـدگی) از کارهـاییست که به دست شـیطان تأسـیس شـده است.
بـدیهیست که شـیطان همیشه دنبال کارهای خلاف و دسـتور خـدا بوده و هیـچ کار مطلوبی انجام نمی‌دهد و از همین جا می‌توان به بدی غنا و موسیقی پی برد.

سابقه‌ی موسیقی در ایران

غنا و موسیقی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و مردم این مرز و بوم با آن مأنوس بوده‌اند.
در کتاب تاریخ ایران، مشیرالدوله می‌نویسد:
«بهرام گور از هند دوازده هزار موسیقیدان را جهت نوازندگی آورد».
راجع به همین بهرام گور «فخر الاسـلام» از تاریخ اصفهانی نقل می‌کند که: بهرام گور دستور داد مردم نصف روز کار کنند و نیمی دیگر را به عیش و عشـرت بگذرانند، باده بنوشند و نوای موسیقی بنوازند، از این رو مقام آوازه خوانان اوج یافت، روزی بر گروهی عبور کردند که می‌نوشیدند؛ ولی گوش نمی‌دادند.
پرسید:
کو آوازه خوان؟ جواب دادند:
می‌خواستیم از وجودشان استفاده کنیم، اما هزینه‌شان به واسطه‌ی کمیابی زیاد است.
بهرام نامه‌ای به پادشاه هند نوشت و رامشگر (نوازنده و خواننده) خواست.
دوزاده هزار رامشگر از هند آمدند و بهرام آنها را به شهرهای ایران تقسیم نمود.

پیشرفت چشمگیر موسیقی بین اعراب

عرب با موسـیقی و غنا به صورت بسیط و ساده‌اش آشنا نبود؛ پس از امتزاج با ایرانیان لهو و غنا به سرعت انتشار یافت. عجب اینست که سرزمین حجاز از خود سرزمین‌های عراق و شام که مرکز اصلی این صنعت بود جلو افتاد.
حجـاز از نیمه‌ی دوم قرن اول هجری، هم مرکز فقه و حـدیث بود و هم مرکز لهو و موسـیقی. امرا و حکـام اموی سـخت از لهویـات ترویـج می‌کردنـد و به آنها سـرگرم بودنـد. بر عکس ائمه‌ی اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام. شدیـداً مخالفت می‌کردنـد که در فقه و حـدیث منعکس است.
اگر مطلب را در سطح عامه‌ی مردم بررسی کنیم، می‌بینیم توده‌ی مسلمان ایرانی و همچنین علمای ایرانی نژاد با آن همه سوابق ملی

در این کار، بیش از توده‌ی عرب و علمای عربی نژاد عکس العمل و مخالفت نشان دادند.

درباره‌ی «مالک بن انس» امام معروف اهل سنت که نژاد عرب دارد، نوشته‌اند:

در آغاز کار می‌خواست رشته‌ی موسیقی را تعقیب کند.

مادرش او را منع کرد و گفت:

چون چهره و قیافه‌ای زیبا نداری بهتر است رشته‌ی فقه را دنبال کنی و همین کار را کرد. (۳۲)

تورع و پرهیزگاری ایرانیان آن زمان

آنچه تأمل بر می‌انگیزد اینست که اولاً ایرانیان، اهل فن غنا و موسیقی بودند و در آن کار سابقه‌ای زیادی داشتند و عادتاً آنها باید از نظر شرعی دنبال توجیه و تأویل بروند، ثانیاً شیوع لهو و غنا در حجاز به وسیله‌ی ایرانیان صورت گرفت. مغنیان معروف آن عصر بیشتر ایرانی بوده‌اند، در عین حال در حالت مذهبی آن روز، ایرانیان بیش از سایر ملت‌ها تورّع و پرهیزگاری نشان داده‌اند و همچنان که اشاره شد، محل بحث حالت و محیط مذهبی است؛ اما محیطهای غیر مذهبی؛ مانند «دربار هارون و دستگاه برامکه» شکل دیگر بود.

(۳۳)

فصل سوم؛ موسیقی و غنا از دیدگاه قرآن

اشاره

بعضی از سور در مکه نازل شده است مانند سوره‌ی فرقان، سوره لقمان، سوره اسراء و سوره نجم و بعضی در مدینه نازل شده است مانند سوره حج و سوره جمعه. از این سور می‌توان فهمید که قرآن از همان ابتدای بعثت با موسیقی مبارزه می‌کرده و آن را مورد نکوهش و حتی چنانچه از آیات سوره لقمان روشن می‌شود صریحاً مورد تحریم قرار داده و مبارزه با موسیقی مانند مبارزه با بت پرستی از ابتدایی‌ترین احکام اسلام قرار داشته است.

قرآن کریم نیاز به مفسر دارد و مفسران حقیقی آن، ائمه‌ی معصومین عَلَیْهِمُ‌السَّلَام. می‌باشند. هر آیه‌ای از قرآن بطنی دارد و هر بطن آن هفتاد بطن دارد ما آیاتی که پیرامون موسیقی بود را آورده‌ایم و روایات آن آیات را از لسان مبارک ائمه اطهار عَلَیْهِمُ‌السَّلَام. ذکر می‌نماییم. در قرآن کریم آیاتی پیرامون موسیقی می‌باشد که ما به پنج آیه پیرامون موسیقی می‌پردازیم. که آنها عبارتند از:

آیه اول:

«فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ و اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (۳۴)

ترجمه: از پلیدیها، از بتها اجتناب کنید و از سخن باطل و بی‌اساس بپرهیزید.

ابوبصیر می‌گوید:

از امام جعفر صادق عَلَیْهِ السَّلَام درباره‌ی سخن خدای تعالی که می‌فرماید:

«از پلیدیها، از بتها اجتناب کنید و از سخن باطل و بی‌اساس بپرهیزید». سؤال کردم، امام عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

منظور غناء (آواز طرب انگیز) است.

(۳۵)

امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره‌ی آیه‌ی شریفه فرمود:

منظور از پلیدی شطرنج و مراد از سخن باطل غنا و آواز طرب انگیز است.

(۳۶)

آنجا که قرآن کریم اوصاف بندگان صالح و عباد الرحمن را بر می‌شمارد می‌فرماید:

آیه دوم:

«و الذین لا یشهدون الزور و اذا مرّوا باللغو مرّوا کراماً» (۳۷)

ترجمه: و آنانند که حاضر شوند در مجالس غنا و...

امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام در مورد سخن خدای تعالی که می‌فرماید:

بندگان خاص خداوند کسانی هستند که هرگز شهادت به باطل نمی‌دهند. (۳۸) فرمود:

منظور غناء است.

(۳۹)

علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش که به طور کامل یک تفسیر روایی می‌باشد - «زور» را به غناء و مجالس لهو تفسیر نموده است.

(۴۰)

در تفسیر جوامع الجامع آمده است:

منظور از این آیه اینست که بندگان خاص خداوند در مجالس بی‌فایده و بدکاران شرکت ن می‌کنند.

(۴۱)

در تفسیر شریف لاهیجی آمده است که: احادیث اهل بیت متکثر الورد است که، مراد از «زور» غناست، لیکن علی بن ابراهیم روایت کرده که مراد از «زور» غنا و مجالست با اهل لهو است، اعم از آنکه غنا باشد یا غیر آن. (۴۲)

آیه سوم:

«و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بِغیر علم و یتخذها هزواً اولئک لهم عذاب مهین» (۴۳)

ترجمه: بعضی از مردم هستند که سخنان بیهوده خریداری می‌کنند تا مردم را از روی جهل و نادانی از راه خداوند گمراه کنند و به دنبال آن، آیات الهی را مسخره می‌کنند.

خداوند بدین عمل آنها را به عذاب خوار کننده‌ای مبتلا می‌سازد

امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

غنا از جمله چیزهاییست که خداوند برای ارتکاب آن وعده‌ی عذاب جهنم داده است.

سپس آن حضرت این آیه شریفه را تلاوت فرمود:

بعضی از مردم هستند که سخنان بیهوده خریداری می‌کنند تا مردم را از روی جهل و نادانی از راه خداوند گمراه کنند و به دنبال آن، آیات الهی را مسخره می‌کنند.

خداوند بدین عمل آنها را به عذاب خوار کننده‌ای مبتلا می‌سازد. (۴۴)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

مجلس خوانندگی لهو و باطل، مجلسیست که خداوند به اهل آن نمی‌نگرد (آنها را مورد لطفش قرار نمی‌دهد) و این مصداق همان چیزیست که خداوند عز و جل فرموده:

«بعضی از مردم هستند که سخنان بیهوده خریداری می‌کنند تا مردم را از روی جهل و نادانی از راه خدا گمراه سازند». (۴۵)

مردی می‌گوید:

نزد امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام بودم، کسی به ایشان گفت:

پدر و مادرم فدای شما باد، همسایگان من کنیزانی دارند که آواز می‌خوانند و با عود (یکی از آلات موسیقی) می‌نوازند من هنگامی که برای قضای حاجت می‌روم، چه بسا نشستن خودم را طول می‌دهم تا صدای آنها را بیشتر بشنونم!!

امام عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

این کار را انجام مده! در روز قیامت در برابر خداوند هیچ عذر و بهانه‌ای نداری، مگر سخن حق تعالی را در قرآن کریم نشنیده‌ای که می‌فرماید:

«ان السمع و البصر و الفؤاد کل اولئک کان عنه مسؤولاً» (۴۶)

«گوش و چشم و دل همگی مسؤولند و در برابر کارهایی که انجام داده‌اند از آنها سؤال می‌شود».

مرد گفت:

به خدا سوگند گویا تا به حال این آیه قرآن را از عرب و غیر عرب نشنیده بودم. دیگر به خداوند این کارها را انجام نمی‌دهم و از او آمرزش می‌طلبم.

بعد امام عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

برخیز و غسل کن و آنچه می‌توانی نماز بخوان تاکنون به گناه بزرگی مشغول بودی و چقدر حال بدی داشتی اگر بر این حال می‌مردی. (۴۷)

لهو الحدیث هر سخن نادرستیست که انسان را از شنیدن و پذیرفتن سخن حق که کلام خدا و قرآن مجید است باز دارد؛ مانند داستان‌های خرافی و قصه‌هایی که شنونده را به فساد، فسق و فجور می‌کشاند و نیز مانند آوازه خوانی و سرگرمی به آلات موسیقی. آشکار است که سرگرمی به هر یک از امور باطله آدمی را از شنیدن و پذیرفتن معارف اعتقادی قرآن مجید و دستورات عملیه‌ی آن و داستان‌های عبرت بخش آن و گزارشات عجیبه‌ی عالم آخرت و بهشت و دوزخ که بیان فرموده، باز می‌دارد و اگر شخص سخنان حق را بشنود مسخره می‌کند و چنین آدمی هرگاه آیات قرآن مجید برایش خوانده شود، کبر ورزد و از پذیرفتن آنها رو برگرداند؛ مانند این که این آیات را اصلاً نشنیده و ندیده است، چنانچه در آیه‌ی ۷ سوره‌ی لقمان این چنین می‌فرماید:

«و هرگاه بر این مردم آیات قرآن تلاوت شود چنان با غرور و تکبر پشت گردانند که گویی هیچ آن آیات الهی را نشنیدند، پنداری از هر دو گوش کر هستند این مردم را به عذاب دردناک بشارت ده».

و خلاصه کسی که به ساز و آواز و سایر اباطیل سرگرم شد و مشتری آنها گردید کجا به خدا و آخرت و حقایق قرآن مجید آشنا و مشتری می‌گردد و آنها را خواهان می‌شود و نتیجه‌ی گرویدن به اباطیل، بی‌ایمانی و موهوم پنداشتن حقایق است و چنین شخص نادانی گمراه و گمراه کننده و مورد وعده‌ی عذاب الهی در آیه‌های ۶ و ۷ سوره‌ی لقمان است.

از آنچه که توضیح داده شد معلوم گردید که غنا لهو الحدیث است و بر آن وعده‌ی عذاب داده شده، پس گناه کبیره است (۴۸)

غنا از گناهان کبیره است

از گناهانی که به کبیره بودنش تصریح شده، سرگرمی به آلات موسیقی و نواختن انواع سازها مانند تار و کمانچه و پیانو و طنبور و نظائر آن یا گوش دادن به آنهاست و یکی از ملاکهای گناه کبیره آن است که: خدای تعالی بر آن وعده آتش دوزخ داده است. (۴۹)

پس غناء (آواز طرب انگیز) یکی از گناهان کبیره می‌باشد زیرا امام هشتم حضرت رضا عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

«اعلم ان الغناء مما وعدالله علیه النار فی قوله: «و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله به غیر علم و یتخذها هزواً اولئک لهم عذاب مهین» (۵۰)

بدان همانا غناء از چیزهاییست که خدای تعالی در سخنش بر آن وعده‌ی آتش داده است:

«و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزاء گیرند، برای آنان عذابی خوار کننده است.

(۵۱)

در تفسیر قمی «حدیث لهو» به عناء و نوشیدن خمر و تمام آلات لهو تفسیر شده است.

(۵۲)

و مرحوم طبرسی با استفاده‌ی از سخن امام محمد باقر و امام جعفر صادق و حضرت رضا عَلَیْهِمُالسَّلَام و بسیاری از مفسرین، «حدیث لهو» را به غنا تفسیر نموده است.

(۵۳)

مرحوم علامه سید عبدالله شبر (قدّس سره) می‌فرماید:

هر چیزی که انسان را از کارهای خوب باز دارد، مانند غناء و سخنان دروغ و مضحکه‌ها و سخنان بی‌فایده، حدیث لهو به شمار می‌آید. (۵۴)

آیه چهارم:

و الَّذینَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُون» (۵۵)

ترجمه: مؤمنان کسانی هستند که از هر گونه لغو و سخن بیهوده دوری می‌کنند.

۱ - «و الَّذینَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُون»

یعنی عن الغناء و الملاهی.

مؤمنان کسانی هستند که از هر گونه لغو و سخن بیهوده دوری می‌کنند (یکی از مصادیق لغو، غناء و آلات لهو می‌باشد). (۵۶)

با توجه به مطالب فوق روشن می‌شود که مجلس ساز و آواز یکی از نمونه‌های آشکار مجالس باطل می‌باشد.

آیه پنجم:

«أ فَمِنْ هذَا الْحَدیثِ تَعْجَبُون / وَ تَضْحَکُونَ وَ لا تَبْکُون / و أَنْتُمْ سامِدُون» (۵۷)

ترجمه: آیا از این سخن تعجب می‌کنید و می‌خندید و نمی‌گریید و پیوسته در غفلت و هوسرانی به سر می‌برید.

برخی از مفسران قرآن کلمه‌ی «سامدون» را در این آیه شریفه به معنای اشتغال به غنا و آوازه خوانی داسنته‌اند.

علی شریحی در تفسیر البشائر:

«سمود» به معنای لهو و «سامد» به معنای لاهیست و معنای آیه‌ی «أَنْتُمْ سامِدُون» این است، شما مشغول لهو و لعب هستید و از هدف آفرینش غافلید. (۵۸)

علامه امینی (قدّس سره) در کتاب الغدیر از دوازده تفسیر اهل سنت نقل کرده است که طبق روایت عکرمه از ابن عباس، منظور از «سمود» غنا و آوازه خوانی است، زیرا در لغت قبیله‌ی حمیر هرگاه بگویند:

«سمِّدلَنا» منظورشان اینست که برای ما آواز بخوان. (۵۹)

فصل چهارم، آثار و عواقب غنا و موسیقی

اشاره

در این فصل می‌پردازیم به روایاتی که پیرامون غنا و موسیقی می‌باشد.
قبل از هر چیز به این روایت مهم توجه نمائید:

هدف رسالت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ و َآلِه وَ سَلَّم

رسول گرامی اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ و َآلِه وَ سَلَّم فرمود:
«ان الله بعثنی هدی و رحمه للعالمین و امرنی ان امحوا المزامیر و المغازف و الاوتار و الاوثان و امور الجاهلیه»...
خداوند مرا برای هدایت و رحمت جهانیان مبعوث نمود و دستور داده به من تا آلات غناء و موسیقی (مانند نای و طنبور و تار و)...
و بتها و آداب و رسوم جاهلیت را از بین ببرم. (۶۰)

بررسی عواقب غنا و موسیقی

اشاره

استعمار گران جهان همیشه از بیداری مردم مخصوصاً نسل جوان، وحشت داشته‌اند؛ به همین دلیل بخشی از برنامه‌های گسترده‌ی آنها برای ادامه‌ی استعمار، فرو بردن جامعه‌ها در غفلت، بی‌خبری، ناآگاهی و گسترش انواع سرگرمی‌های ناسالم است.
امروزه مواد مخدر، تنها جنبه‌ی تجارتی ندارد، بلکه یک ابزار مهم سیاسی؛ یعنی سیاست‌های استعماری است.
ایجاد مراکز فحشاء، کلوپ‌های قمار و همچنین سرگرمی‌های ناسالم دیگر و از جمله توسعه‌ی غنا و موسیقی، یکی از مهم‌ترین ابزاریست که آنها برای تحذیر افکار مردم بر آن اصرار دارند و به همین دلیل قسمت عمده‌ی وقت رادیوهای جهان را موسیقی تشکیل می‌دهد و از برنامه‌ی عمده‌ی وسایل ارتباط جمعی همین موضوع است.
حال به عواقب آن در دوران زندگی در این جهان که همان هدف استعمار گران است از دیدگاه روایات می‌پردازیم.

الف: عواقب و آثار دنیوی

۱ – آثار فردی و اجتماعی

مرگ ناگهانی و قبول نشدن دعا

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:
خانه‌ای که در آن غنا باشد از مرگ و مصیبت دردناک ایمن نیست و دعا در آن به اجابت نمی‌رسد و فرشتگان وارد آن نمی‌شوند. (۶۱)

سبب نفاق

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

نواختن موسیقی (مثل تار و) ... نفاق را در دل می‌رویاند همان طوری که آب سبزه را می‌رویاند. (۶۲)

عامل زنا

رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

«الغناء رقیه الزناء»

غنا و (موسیقی) کاریست که انسان را به زنا می‌کشاند. (۶۳)

در حدیث آمده:

از غناء و موسیقی دوری کنید زیرا موسیقی حیاء را از بین می‌برد و سبب زیاد شدن غریزه جنسی می‌شود، مردانگی را نابود می‌سازد و هر کاری که شراب می‌کند موسیقی هم انجام می‌دهد و اگر مبتلا به موسیقی شدید از زنان بپرهیزید برای آن که موسیقی و غناء انسان را به زنا می‌کشاند. (۶۴)

بدبختی جامعه

از امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَام روایت شده است:

«لا یقدس الله امهٔ فیها بربط یُقَعقع»

پاک و سعادتمند نمی‌شوند ملتی که در میان آنان بربط (که یکی از آلات موسیقی می‌باشد) به صدا در آید. (۶۵)

ناسپاسی از حق تعالی

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

کسی را که خداوند سبحان نعمتی به او عطا کند و او در اثر نعمت به وسایل آواز خوانی و موسیقی رو کند با این عملش ناسپاسی حق تعالی را مرتکب شده و همچنین کسی که مصیبتی (برای امتحان و) ... به او برسد و آه و ناله کند او هم کفران نعمت نموده است.

(۶۶)

ب: آثار خانوادگی

بی تفاوت شدن نسبت به ناموس

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

به شیطان قفندر (بد قیافه) گفته می‌شود زمانی که در خانه کسی چهل روز با وسایل موسیقی (چون تار بنوازد) و مردان و زنان در آن مجلس باطل گرد آیند شیطان تمام اعضای بدن صاحبخانه را لمس می‌کند (به طوری که چشم و گوش، زبان و سایر اعضایش

در مسیر و فرمان شیطان و گناه قرار می گیرند) بعد از آن برای این که کاملاً او را در زشتی و ظلمت غرق کند نفسی شیطانی در او می‌دمد که بعد از آن غیرت را از دست می‌دهد آن چنان که نسبت به رابطه نا مشروع دیگران با همسرش بی‌تفاوت می‌شود. (۶۷)

رفتن برکت

حضرت محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:
فرشتگان به خانه‌ای که شراب و وسایل موسیقی و قمار (مثل دایره، طنبور، نرد) در آن باشد وارد نمی‌شوند و دعای اهل خانه مستجاب نمی گردد، خیر و برکت هم از آنجا می‌رود. (۶۸)

۲ – عواقب و آثار اخروی موسیقی و غناء

رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:
کسی که اهل طنبور است روز قیامت محشور می‌شود در حالی که سیاهترین صورت را دارد و به دستش تنبوری از آتش جهنم است و بالای سرش هفتاد هزار فرشته عذاب همراه با گرزی که در دست دارند بر سر و صورتش می کوبند و کسی که اهل (غناء و موسیقی) است از قبرش بیرون می‌آید در حالی که نابینا و گنگ و کر خواهد بود.
همچنین زنا کار و آنکه فلوت و دایره می‌زند همانند ایشان محشور می‌شود. (۶۹)
از ابی هریره روایت شده که پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:
گروهی از این امت مسخ شده و به صورت بوزینه و خوک در می‌آیند.
گفتند:
یا رسول الله، مگر آنها شهادت به لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و محمد رسول الله نمی‌دهند؟
فرمود:
بلی، روزه هم می گیرند، نماز نیز می‌خوانند، حج نیز به جای می‌آورند.
گفتند:
پس عیب آنها چیست؟
فرمود:
آنها وسایل ساز و موسیقی و دایره را به کار می‌برند و کنیزان آوازه خوان می گیرند و با شب نشینی به می گساری و لهویات خویش را به صبح می‌رسانند که مبدل به بوزینه و خوک خواهند شد.
(۷۰)

۳ – خرید و فروش، تعلیم و یاد دادن

به اتفاق جمیع فقهاء ساختن و خرید و فروش آلات لهو و معامله‌اش باطل است و مانند آلات قمار نگهدارش نیز حرام و از بین بردنش واجب است.
چنان چه در ضمن حدیثی مفصلی که در کتاب تحف العقول از حضرت امام جعفر صادق عَلَیْهِ السَّلَام نقل می کند و همچنین شیخ حر عاملی در فصول المهمه روایت می کند که حضرت فرمود:

صنعتی را که هیچ جهت حلالی در آن نباشد و جز شر و فساد چیزی بر آن مترتب نیست مانند بربط (آلت موسیقیست شبیه عود که به آن می‌نوازند) و مانند مزمارها و نی و شطرنج و هر آلت و وسیله لهوی و صلیب نصاری و بتها و هر چه شبیه اینها باشد پس یاد دادنش و یاد گرفتن و عمل کردن به آن و اجرت گرفتن بر آن و جمیع تصرفات در آن حرام است.

(۷۱)

خرید و فروش و کسب با وسایل لهو

رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

آموزش دادن خوانندگان و خرید و فروش کنیزکان آوازه خوان حرام است و در آمدی که از این راه به دست می‌آید نیز حرام می‌باشد، گواه این مطلب آیه‌ایست که خداوند در کتابش فرموده است:

«بعضی از مردم سخنان بیهوده را خریداری می کنند». (۷۲)

۴ – ثواب پرهیز از غناء

امام رضا عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

کسی که از غناء دوری کند در عوض، درختی در بهشت است که خداوند دستور می‌دهد باد آن را به حرکت در آورد. نغمه خوشی از آن درخت بهشتی بلند می‌شود که مانند آن را تا به حال نشنیده است و کسی که از غناء اجتناب نکند آن صوت زیبا را نمی‌شنود. (۷۳)

روایاتی دیگر

موسیقی علنی در آخر الزمان

در کتاب مهدی منتظر نوشته‌ی حاج شیخ محمد جواد خراسانی (قدّس سره) در مورد حوادث و وقایعی که در دوران غیبت و نزدیک ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ می‌دهد چنین می‌خوانیم:

در این زمان مردم غنا و آوازه را دوست دارند.

رقص و طرب و غنا را حلال می‌شمرند.

آلات ساز و آواز ظاهر می‌شود.

تار و طنبور زنی را مستحسن شمارند و نیکو بیاموزند.

زن‌های آوازه خوان و رقاصه آشکار می‌شوند.

زن‌های آوازه خوان و آلات آواز برای خود اتخاذ کنند.

لهو و آلات لهو ظاهر شود، عابرین بروی بگذرند و احدی، احدی را منع نکند.

برای غنا و آوازه مالها، خرج می کنند.

همچنین آلات غنا و موسیقی در حرمین (مکه و مدینه) ظاهر می‌شود. (۷۴)

زبان حال موسیقی حرام

نقل شده است که: حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام دید مردی طنبور می‌زد.
حضرت او را از این کار باز داشت و حتی طنبور را گرفت و شکست. سپس او را نصیحت فرمود و او توبه کرد. آن گاه حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام به او فرمود:
آیا می‌دانی طنبور هنگامی که به صدا در می‌آید چه می گوید؟
مرد عرض کرد:
وصی رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم داناتر است.
حضرت فرمود:
طنبور هنگام نواختنش می گوید:
سَتَندِمُ سَتَندِمُ أیا صاحِبی
سَتَدخُلُ جَهَنَّمَ أیا ضارِبی
به زودی پشیمان می‌شوی، به زودی پشیمان می‌شوی ای صاحب من! به زودی داخل دوزخ می گردی ای زننده‌ی من! (۷۵)

فصل پنجم؛ موسیقی از دیدگاه دانشمندان اسلامی و غیر اسلامی

نظر امام خمینی (قدّس سره)

۱ – غافل کردن از مقدرات

امام خمینی (قدّس سره) در مورد موسیقی می‌فرماید:
...«از جمله چیزهایی که مغزهای باز جوان‌ها را مخدر و تخدیر می کند موسیقی است.
موسیقی اسباب این می‌شود که مغز انسان وقتی چند وقت به موسیقی گوش کرد، تبدیل می‌شود به یک مغز غیر آن کسی که جدی باشد، انسان را از جدیت بیرون می کند و متوجه جهات دیگر می کند.
تمام این وسایلی که در هر مملکتی رواج دارد، همه برای اینست که ملت خود را از مقدرات خودشان غافل کنند».

۲ – بیرون آوردن از جدیّت

...«موسیقی از اموریست که البته هر کسی بر حسب طبع، خوشش می‌آید لکن از اموریست که انسان را از جدیت بیرون می‌برد و به یک مطلب هزل می کشاند. دیگر یک جوان که عادت کرده روزی چند ساعت با موسیقی سر و کار داشته باشد و اکثر اوقاتش را صرف بکند و پای موسیقی بنشیند و اینها، از مسائل زندگی و از مسائل جدی به طور کلی غافل می‌شود، عادت می کند، همان طور که به مواد مخدر عادت می کند دیگر نمی‌تواند یک انسان جدی باشد که بتواند در مسائل سیاسی فکر بکند، فکر انسان را موسیقی طوری بار می‌آورد که دیگر انسان نتواند در غیر هما ن محیط مربوط به شهوت و موسیقی فکر بکند».

۳ – در مورد تلویزیون

...«نباید دستگاه تلویزیون طوری باشد که ۱۰ ساعت موسیقی بخواند و جوان‌هایی که نیرومند هستند از نیرومندی آنها کاسته شود

و به حال خمار و خلسه آور تبدیل شوند، مثل همان تریاک، موسیقی با تریاک فرقی ندارد.

۴ – حذف موسیقی

اگر بخواهید مملکتتان یک مملکت صحیح باشد، موسیقی را حذف کنند، نترسید از این که به شما بگویند کهنه پرست شده‌اید، باشد ما کهنه پرستیم، همه‌ی این کلمات نقشه است برای این که شما را از کار جدی عقب بزنند. این که می گویند اگر چنانچه موسیقی در رادیو نباشد آنها می‌روند از جای دیگر موسیقی می گیرند، بگذارید از جای دیگر بگیرند. شما عجالتاً آلوده نباشید، آنها کم کم بر می گردند به این جا. این عذر نیست که اگر موسیقی نباشد در رادیو آنها می‌روند از جای دیگر موسیقی می گیرند، حالا اگر از جای دیگر می گیرند آیا ما باید به آنها

موسیقی بدهیم! ما باید خاینت بکنیم! موسیقی، خیانت است به یک مملکت و خیانت است به جوان‌های ما، این موسیقی را حذفش کنید، آن را به طور کلی عوض کنید و یک چیز دیگری بگذارید که آموزنده باشد کم کم مردم و جوان‌ها را عادت به امور زندگی بدهید، از آن عادت خبیثی که داشتند برگردانید. آنهایی را که می‌بینید می گویند اگر تلویزیون موسیقی پخش نمی کند می‌رویم سراغ موسیقی، برای اینست که اینها عادت کرده‌اند.» (۷۶)

۵ – مریض شدن مغز

«یک مغزی اگر دنبال این رفت که موسیقی گوش کند، این مغز مریض می‌شود، این نمی‌تواند فکر بکند که کشورش به چه حال دارد می گذرد، دیگر دنبال این نیست، مثل آدم هروئینی می‌ماند». (... ۷۷)

۶ – در مورد سرودها

«سرودهایی که مهیج است و سرودهایی که مفید است، اشکال ندارد، از جمله سرودی که درباره‌ی آقای مطهری ساخته شده است اشکال ندارد». (۷۸)

نظر مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

۱ – مبارزه با تهاجم فرهنگی

مقام معظم رهبری راجع به موسیقی و روش مقابله با تهاجم فرهنگی می‌فرماید:

این که ما بگوییم موسیقی بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی است، نه من به این معتقد نیستم که موسیقی یک چنین کششی داشته باشد؛ بهتر است بگوییم یکی از راه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگی است.

البته با شرایطی می‌تواند باشد اما بهترین راهش را این نمی‌دانم.

۲ – موسیقی حرام کدام است

در مورد موسیقی دو حرف وجود دارد، یکی این که ببینیم اساساً مشخصه‌های موسیقی حلال و حرام چیست؟

دیگر این که بیاییم در مصداق، مرزهایی را مشخص کنیم تا به قول شما جوانان بدانند که این یکی حرام است و این یکی حلال. البته این دومی کار آسانی نیست، کار دشواریست که انسان از این همه اجرای موسیقی‌های گوناگون، موسیقی خارجی، موسیقی

ایرانی هم بـا انواع و اقسـامش، بـا کلاـم، بی‌کلاـم بخواهـد یکی یکی اینهـا را مشـخص کنـد؛ امـا مشـخصه‌های کلی دارد که آن را می‌شود گفت. البته من هم در جاهـایی به بعضـی از اشـخاص که دست انـدر کـار بودنـد، آنچه را که می‌توانسـتم گفته‌ام. حالاـ هم مختصری برای شما عرض می‌کنم.

ببینید موسـیقی اگر انسان را به بیکاری و ابتذال، بی‌حالی و واخوردگی از موقعیت‌های زندگی و احوال اینها بکشاند، این موسـیقی، موسیقی حلال نیست موسیقی حرام است.

موسیقی اگر چنانچه انسان را از معنویت از خدا و از ذکر غافل کند این موسیقی حرام است.

موسیقی اگر انسان را به گناه و شهوترانی تشویق کند این موسیقی حرام است.

نظر اسـلام این است، موسـیقی اگر این خصوصـیات مضـر و موجب حرمت را نداشته باشد، البته آن وقت حرام نیست. اینهایی را که من گفتن بعضـی از آنهـا در موسیقی بی‌کلام و سازهاست بعضـی هم حتی در کلمات است؛ یعنی ممکن است فرضاً یک موسـیقی ساده‌ی بی‌ضرر را اجرا کنند، لیکن شعری که در این موسیقی خوانده می‌شود، شعر گمراه کننده‌ای باشد.

شعر تشویش کننده‌ی به بی‌بند و باری به ولنگاری، شهوترانی، غفلت و این طور چیزها باشد آن وقت حرام می‌شود.

بنا بر این آن چیزی که شاخص حرمت و حلیت در موسـیقیست و نظر شریف امام در اواخر حیات مبارکشان که آن نظریه را در باب موسیقی دادند همین مطلب بود.

لهو یعنی غفلت، یعنی دور شدن از ذکر خدا، دور شدن از معنویت، دور شدن از واقعیتهای زندگی، دور شدن از کار و تلاش و فرو غلتیدن در ابتذال و بی‌بند و باری پس این موسیقی می‌شود حرام.

۳ – موسیقی زبان بین المللی

...«شـما می‌گویید زبان بین المللی آن موسـیقی که به قول خود شـما، مرزها را در نوردیده و در جاهایی پخش شده، آیا این لزوماً موسیقی خوبی است؟

صرف این که یک موسـیقی از مرز فلان کشور خارج شـد و توانست به کشورهای مختلف برود و یک عـده طرفدار پیدا کند؛ مگر دلیل، خوب بودن موسیقی است؟

نه، به هیچ وجه، ممکن است یک موسیقی باشد که به شهوترانی و تحریکات نشاطهای شهوی جوانی را تحریک کند، طبیعیست که یک مشت جوانی که غفلت زده هسـتند از این موسـیقی خوششان می‌آید، هر جایی که در دنیا این نوار به دستشان بیفتد، از آن نوار استفاده می‌کنند؛ این دلیل خوب بودن موسیقی نیست.

۴ – موسیقی سنتی و غیر سنتی

مقام معظم رهبری راجع به موسیقی اصیل و سنتی می‌فرماید:

من نمی‌توانم به طور مطلق بگویم که موسـیقی اصـیل ایرانی، موسـیقی حلال است، نه این طور نیست. بعضـی خیال می‌کنند که مرز موسیقی حلال و حرام موسیقی سنتی است، نه این طور نیست. آن موسیقی که منادیان دین و شرع همیشه در دوره‌های گذشته با آن مقابله می‌کردند و می‌گفتند:

حرام است، همان موسـیقی سـنتی خودمان است که به شـکل حرامی در دربارهای سـلاطین، در نزد افراد بی‌بند و بار، در نزد افرادی که به شهوات تمایل داشتند اجرا می‌شده، این همان موسیقی حرام است.

بنا بر این مرز موسـیقی حرام و حلال عبارت از ایرانی بودن، سـنتی بودن، قدیمی بودن، کلاسـیک بودن، غربی بودن یا شـرقی بودن

نیست. مرز آن چیزیست که من عرض کردم. این ملاک را می‌شود به دست شما بدهیم؛ اما این که این نوار جزو کدام گروه است، این را من نمی‌توانم مشخص کنم.

۵ – دستگاه‌های ممیزی

البته الآن دستگاههایی هستند که دارند ممیزی می‌کنند؛ اما من هم خیلی اطمینان ندارم که این ممیزها صد در صد درست باشد، گاهی می‌آیند به ما می‌گویند یک نوار بسیار بد یا مبتذلی را دارند به صورت مجاز پخش می‌کنند، گاهی هم ممکن است عکس این اتفاق بیفتد.

من الآن نمی‌دانم واقعاً این ممیزها چقدر از روی واقع بینی و ضابطه انجام می‌گیرد؛ اما آن چیزی که من می‌توانم به شما به عنوان یک جوان خوب و به عنوان کسی که مثل فرزندان خودم هستید به عنوان نصیحت و نظر خود بگویم اینست که عرض کردم. به نظر می‌رسد که موسیقی می‌تواند گمراه کننده باشد، می‌تواند انسان را به شهوات چار کند، می‌تواند انسان را غرق در ابتذال و فساد و پستی بکند، می‌تواند هم این نباشد و می‌تواند عکس این باشد، مرز حلال و حرام اینجاست.

من امید دارم که شما جوانان با این زاد و تقوا بتوانید وارد میدان بشوید و تولیدهایی داشته باشید که به معنای کلمه خصوصیات موسیقی خوب و بلیغ را داشته باشد و به معنای حقیقی تأثیرگذار مثبت باشد و حقیقتاً جوانان و روح‌ها را، به صفا و معنویت و به حقیقت رهنمون کند.

(۷۹)

عده‌ای سعی می‌کنند جوان ایرانی را با بهانه‌های گوناگون، به سمت مسائل سرگرم کننده، موسیقی‌های مضر، سرگرمی جنسی و از این قبیل سوق دهند این همان لجنزاریست که جوان آمریکایی و اروپایی را در خودش دارد غرق می‌کند در مقابل این بایستید.

(۸۰)

غنا و موسیقی از دیدگاه شهید مطهری (قدّس سره)

اشاره

استاد فیلسوف مرتضی مطهری راجع به غنا و موسیقی چنین بیان می‌کند:

آن چیز که شاید بیشتر از همه نیاز به مطالعه دارد، اینست که آیا اسلام هیچ عنایتی به بعد چهارم انسان، یعنی استمداد هنری نموده و در اسلام به زیبایی و جمال عنایتی شده یا نه؟

بعضی چنین تصور می‌کنند که اسلام، از این نظر، خشک و جامد و بی‌عنایت است و به عبارت دیگر، اسلام ذوق کش است و البته اینها چنین ادعا می‌کنند، به خاطر اینست که اسلام روی خوش به موسیقی نشان نداده و نیز بهره برداری از جنس زن به طور عام و هنرهای زنانه؛ یعنی رقص و مجسمه سازی را منع کرده است؛ ولی به این شکل قضاوت کردن درست نیست.

ما باید راجع به مواردی که اسلام با آن مبارزه کرده، تامل کنیم و ببینیم آیا اسلام با آنها مبارزه کرده، از آن جهت که زیباییست یا از آن جهت که مقارن با امر دیگریست که بر خلاف استعدادهای فردی یا اجتماعی انسان است و به علاوه ببینیم در غیر مورد ممنوعه آیا با هنری مبارزه شده است!

۱ – از موضوعات مجمل

مسأله موسیقی و غنا مسأله‌ی مهمی است؛ اگر چه غنا حدودش روشن نیست.

غنا ضرب المثل مسائلیست که فقهاء به عنوان موضوعات «مجمل»

یعنی موضوعاتی که حدودش مفهوم و مشخص نیست به کار می‌برند. می گویند در مواردی اصل برائت جانشین می‌شود؛ مثلاً در مورد فقدان نص، تعارض نصیین و شبهه‌ی موضوعی وقتی می‌خواهند مقال به اجمال نص بزنند، همین غنا را ذکر می کنند؛ ولی البته قدر مسلمی در غنا هست و آن این است:

«آوازهایی که موجب خفت عقل می‌شود»

یعنی شهوات را آن چنان تهییج می کند که عقل به طور موقت از حکومت ساقط می‌شود و همان خاصیتی را دارد که شراب یا قمار دارا است.

تعبیر «خفت عقل» هم تعبیر فقهاء و از جمله شیخ انصاری است.

آنچه مسلم است اینست که اسلام خواسته است از عقل انسان حفاظت و حراست کند و در عمل هم نشان داده که مطلب از همین قبیل است.

۲ – قدرت عظیم و فوق العاده موسیقی

چندی پیش در روزنامه، در مورد زن و شوهری نوشته بود که کارشان به طلاق و محکمه کشیده است.

شوهر می‌خواست زن خود را طلاق بدهد به این دلیل که می گفت:

زن من با وجود این که عهد کرده بود که هیچ وقت در مجالس و در حضور مردان بیگانه نرقصد، مع ذلک در یک عروسی رقصیده، زن هم گفته‌ی او را تصدیق کرده گفته بود:

وقتی در آن مجلس آهنگی نواختند، آن چنان تحت تأثیر قرار گرفته که بی‌اختیار برخاسته و شروع به رقص کرده است.

مسعودی در مروج الذهب می‌نویسد:

«در زمان عبدالملک یا یکی دیگر از خلفای بنی امیه که لهو و موسیقی خیلی رایج بود خبر به خلیفه دادند که فلان کس خواننده است و کنیز زیبایی دارد که او هم خواننده است وتمام جوان‌های مدینه را فاسد کرده و اگر به کار او نرسید این زن تمام مدینه را فاسد می کند.

خلیفه دستور داد که غل به گردن آن مرد انداختند و آنها را به شام بردند. وقتی به حضور خلیفه نشستند آن مرد گفت:

معلوم نیست آن چه او می‌خواند غنا باشد و از خلیفه خواست که خودش امتحان کند.

خلیفه دستور داد که کنیز بخواند. او شروع به خواندن کرد، کمی که خواند دید سر خلیفه تکان می‌خورد. کم کم کار به جایی رسید که خود خلیفه شروع کرد به چهار دست و پا راه رفتن و می گفت:

بیا جانم بر این مرکوب خود سوار شد.

واقعاً موسیقی قدرت عظیم و فوق العاده‌ای مخصوصاً از جهت پاره کردن پرده تقوا و عفت دارد ...» بنا بر این از این موارد نمی‌توان استثناء کرد که اسلام مبارزه‌ی با ذوق نموده است.

۳ – آیا در اسلام به زیبایی و جمال عنایتی شده؟

اسلام مخالفتی با جمال و زیبایی ندارد و با این حس نه تنها مبارزه نکرده، بلکه در قسمت‌هایی این حس را تأیید هم کرده است.

در «اصول کافی» بابی داریم تحت عنوان «الزی و التجمل» که تجمل همان خود را زیبا کردن است.

حـدیثی داریم که: «إِنَّ اللَّهَ جَمِیلٌ یُحِبُّ الْجَمَالَ» خداونـد زیباست و زیبایی را دوست دارد و از همه بالاتر خود زیبایی بیان است که در اسلام در حد اعلایی به آن توجه شده است.

اسلام خود اعجازش – یا لا اقل یکی از موارد اعجازش - زیبایی کلام قرآن است.

(۸۱)

غنا و موسیقی از دیدگاه علامه جعفری (قدّس سره)

اشاره

انسان‌ها به جهت داشـتن کیفیت‌های روانی مختلف، برداشت‌ها و دریافت‌های گوناگونی از موسـیقی دارند. لذا در تعریف موسـیقی گفته شده است:

«موسـیقی هنریست که از تنظیم و ترکیبات اصوات به وجود می‌آید و زیبایی آن بر حسب اثریست که در ذهن شنونده دارد سنجیده می‌شود».

کسی دیگر درباره‌ی موسیقی چنین می گوید:

«نوای موسـیقی از احساسات و انفعالات درونی انسان ناشی می‌شود و معرف غم و شادی، هیجان و آرامش روحی انسان است» و ما چون نمی‌دانیم که پدیده‌ی موسـیقی در سطوح خود آگاه، نیمه خود آگاه و ناخود آگاه چه اثری ایجاد می کند، لذا نمی‌توانیم یک تعریف روشـنی مانند تعریف یک نمود فیزیکی، در پدیده‌ی موسـیقی داشـته باشیم. از مجموع مطالعات درباره‌ی این پدیده می‌توان به دو اصطلاح عمده دسترسی پیدا کرد:

۱ - مفهوم عمومی موسیقی: این مفهوم شامل هر صدا و آهنگی می‌باشد که تاثیر در روان آدمی از نظر احساسات و تموجات روانی به وجود می‌آورد.

۲ - مفهوم خاص موسیقی: این نوع موسیقی به انواع گوناگون تقسیم می‌گردد؛ مانند موسیقی کلیسا، اپرت، لید، سنفونی و...

البته تقسیم دیگری در باره موسیقی گفته شده:

موسـیقی طبیعی: نغمه‌ی جویبارهـا، صـدای آبشارهـا، صـدای وزش بادهای ملایم در درختان، نوای پرنـدگان، که این گونه نواهای طبیعی چون غالباً یک رنگ و یک نواخت و بر یک آهنگ و میزان ملایم است مسرت بخش می‌باشد.

موسـیقی هنری: عبارت است از همان آهنگ‌هایی که بشـر آنها را ساخته است و وسایل مصـنوعی آن در دنیای کنونی عبارت است از: تار، ویلون، سنتور، اکوردئون، گیتار، پیانو و غیره.

آهنگ‌هـای مصـنوعی دارای زیر و بم و ارتعاشـات و تحریکات گوناگونی است که گاه می‌خندانـد و زمانی می گریانـد و گاهی به حد افراط نیروی نشاط را در آدمی تحریک می کند.

زمانی او را سـخت به دیار غم و انـدوه می‌فرسـتد یا او را در حیرت و بهت فرو می‌برد و گاهی انـدیشه‌های منطقی او را به خیالات و پندهایی تبدیل می کند، در صورتی که آهنگ‌های طبیعی چنان که متذکر شدیم نمودهای مستقیم واقعیت‌هاییست که در جریانند.

۱ – شایستگی موسیقی به خاطر لذت به هیچ منطقی تکیه نمی‌کند

لذت و احساس خوشی که معلول شنیدن موسیقیست در تاریخ بشری دوشادوش در تمام جوامع وجود داشته است به این معنا که هر یـک از جوامع بـا در نظر گرفتن تنـوع و دوران هـایش، نـوع یـا انواعی از موسـیقی را مورد بهره برداری قرار داده و روان خود را با

موسیقی نوازش داده‌اند.
انگار این موضوع بی‌شباهت به انکار مردن طبیعت گرایی بشر نیست.
اگر کمی دقت داشته باشیم، خواهیم دید که لذت خودگرایی نه تنها بالاتر از لذت موسیقی است، بلکه اصلاً قابل مقایسه نیست؛ زیرا خودگرایی که اجرای امیال بی نهایت را در این زندگانی ضروری می‌بیند به متن حیات نزدیک‌تر از موسیقی است؛ زیرا افراد فراوانی پیدا می‌شوند که موسیقی را متن حیات خود قرار نمی‌دهند در صورتی که خود خواهی برای اکثریت قریب به اتفاق مانند محور اساسی زندگی تلقی شده است و هیچ جای تردید نیست که همه‌ی مکتب‌های انسانی اعم از دینی، اخلاقی و سایر مکتب‌هایی که شایستگی انسان را مطرح می‌کنند، خودخواهی را محکوم نموده و لذتش را فریبنده و بی احساس دانسته‌اند؛ بنا بر این اگر دلیل شایستگی موسیقی همان احساس لذت بوده باشد به هیچ منطقی تکیه نمی‌کند.
درست است که تحریک مثبت و تشجیعی را که موسیقی انجام می‌دهد ما را از موجودیت حقیقی خود با یک گروه نوسانات بالاتر می‌برد؛ ولی هنگامی که موسیقی تمام می‌شود یک سرازیری حقیقی در خود احساس می‌کنیم و می‌بینیم که موسیقی سایه‌ای از برای ما ساخته. اکنون شبح مصنوعی از بین رفته، واقعیات با همان خشونت برای ما نمودار می‌شود.

۲ – موسیقی در جنگ‌های صدر اسلام

به همین جهت بوده است که در جنگ‌های صدر اسلام که در حدود هشتاد جنگ و دفاع بوده است، نمی‌بینیم که مسلمین برای تهییج سربازان خود به موسیقی متوسل شوند، بلکه آنها شعارهای واقعی خود را به طور دسته جمعی گفته تحریک می‌گشتند، چنان که در یکی از جنگ‌ها، قریش شعار ذیل را با موسیقی و هیجان رزم می‌گفتند:
اُعلُ هُبَل، اُعلُ هُبَل
بلند باد هبل، بلند باد هبل.
و مسلمانان هم در مقابل می‌گفتند:
الله اعلی و اجل؛ خداوند بالا و بلند مرتبه است و با این که کفار به هر گونه وسایل موسیقی آن زمان برای تحریک سربازان خود متوسل می‌گشتند، مسلمانان کوچک‌ترین اعتنایی به مسأله‌ی موسیقی نداشتند.

۳ – علت ممنوعیت موسیقی در منابع اسلامی

بایستی گفت بشر از نظر کمبودی که در معرفت توانایی مواجه با واقعیت دارد، موسیقی را برای تسلی خود تأئید می‌کند، پس نام آن را ضرورت می‌گذارد و به همین جهت است که اسلام به موسیقی روی نشان نمی‌دهد و می‌خواهد انسان‌ها در زندگانی روحی و طبیعی با خود واقعیات روبرو گردند.
علتی که برای ممنوعیت موسیقی در منابع اسلامی ذکر شده است، مسأله‌ی لهو و لعب است با نظر به این علت، کاملاً روشن می‌شود که اسلام می‌خواهد انسان در این دنیا خود را در مقابل هیجانات نبازد و آمادگی واقعی خود را از دست ندهد تا بتواند اختیار را از خود سلب کند.

۴ – آیا موسیقی روح انسان را تصفیه می‌کند؟

اگر موسیقی آن چنان که عاشقان دلباخته‌اش می‌گویند حقیقتاً روح انسانی را تصفیه می‌کند، چرا با شیوع موسیقی در شرق و غرب، بیماری‌های روانی و فساد اخلاقی به حدیست که گفت و گو درباره‌ی آن باعث شرمساری است.

ما نمی‌دانیم که اگر انسان‌ها به این موسیقی اشتغال نمی‌ورزیدند و با خود واقعیات رو به رو می‌گشتند چه اندازه راه ترقی و اعتلا را می‌پیمودند!

۵ – اگر موسیقی واقعاً ضرر داشت آیا می‌توانست این اندازه مردم را به خود مشغول کند؟

می‌گویند امروزه مانند دوران‌های گذشته، موسیقی از آن موضوعات است که اکثریت به اتفاق آن را تأیید می‌کنند.
اگر واقعاً ضرر داشت آیا می‌توانست این اندازه مردم را به خود مشغول بدارد.
می‌گوییم:
صحیح است، ولی فراموش نکنیم که بشر در دوران‌های گذشته بردگی را هم زیر بنای تمام مسائل اجتماعی و سیاسی خود قرار داده بود و به فکر هیچ کس نمی‌رسید که یک اصل خلاف انسانی بوده باشد.
حتی ارسطوها و افلاطون‌ها که از آنها با تمام تأکید دفاع می‌کردند.
امروزه اگر مردم از اندیشه‌های عمیق درباره‌ی مسائل دینی، اجتماعی، روانی و تکامل به معنای عمومی سرباز می‌زدند، آیا می‌توان گفت این اکثریت بدون علت صحیح نمی‌تواند از اندیشه‌ی صحیح سرباز بزند، پس ناچاریم این هم یک واقعیت است که بایستی تمامی موضوعات را از نظر سطحی آنها رسیدگی کرد.
امروزه جوان اروپا، آمریکا و کشورهای زیادی از آسیا در مستی شگفت آوری به سر می‌برند. برای آنان زندگی شکل هدفمند خود را نشان نمی‌دهد. آیا می‌توان گفت زندگانی هدفی ندارد؛ زیرا اگر هدفی داشت جوانان امروزی ما هم در جستجوی آن تلاش می‌کردند؟
خلاصه برای انسان خردمندی که می‌خواهد همه‌ی موضوعات را همه جانبه بنگرد روش اکثریتی که «برتراندراسل» فیلسوف انگلیسی درباره‌ی آن می‌گوید:
هر فردی از انسان زاویه‌ای برای جنون دارد! او راه اعتدال بشر را هنوز نمی‌شناسد یا راه اعتدال را نمی‌رود!! هیچ گونه ملاک نمی‌باشد و نمی‌تواند راه واقعی را به او نشان بدهد.

۶ – موسیقی نمی‌تواند چاشنی روح باشد

کسی که می‌گوید:
موسیقی چاشنی روح است، این مطلب را در نظر نمی‌گیرد که ارواح آدمی که در شعله‌های انحراف از واقعیت‌ها می‌سوزد چه نتیجه‌ای از تحریکات خیالات و رؤیاهای غیر علمی به دست خواهد آورد. آیا این تحریکات امضا و ادامه‌ی تخدیر در مقابل واقعیت‌ها نیست؟
آن که می‌گوید:
خشونت، جریانات طبیعت، بدبختی‌ها و ناگواری هاست که ما را به موسیقی پناهنده می‌کند.
اولاً:
کدامین فرمول علمی و ریاضیست که بتواند حدود واقعی موسیقی را مشخص نموده و بگوید:
این نوع آهنگ می‌تواند علاج دردهای ناشی از خشونت زندگی باشد و آن نوع نمی‌تواند حال روی این منطق بایستی برای هر فرد از انسان‌ها به شماره بدبختی‌ها و ناگواری‌های زندگانی‌اش یک آهنگ معین بسازیم.
ثانیاً:

آیـا با اعتبار به موسـیقی، موضوع خشونت و ناملایمات زنـدگی مبـدل به خوشـی و آسایش می‌شود یا عینک تار به دیـدگان آدمی می‌زنـد که واقعیت‌هـا را دگرگون ببینـد. کار این انسان خیلی تعجب آور است؛ مثل اینست که سوگنـد خورده است که برای بازی گری خود در جهان واقعیات حد و اندازه‌هایی قائل نشود.

۷ – آیا موسیقی در محل کار سبب کار بیشتر است؟!

می گویند:

آزمـایش کرده‌انـد وقـتی در کارگاه‌هـا موسـیقی نواخته می‌شود؛ رانـدمان کـارگران بیشـتر می‌شود. این پدیـده را چگونه می‌توان با تحریم موسیقی توجیه کرد؟

می گوییم چون مسلماً افزایش رانـدمان مار انرژی می‌خواهـد، خود تموجات صوتی نمی‌توانـد در داخل بدن انرژی تولید کند، پس آن کارگر مجبور است انرژی بیشتری را در زمان کوتاه تری از دست بدهـد تا پدیـده‌ی فوق به وقوع بپیوندد. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که ظاهراً موسـیقی در اینجا نقش مثبتی داشـته؛ ولی همان طور که گفته شـد، این نقش مثبت ظاهریست و در واقع موسـیقی در اینجا هیـچ عمل مثبتی انجام نـداده بلکه جنبه‌ی منفی هم داشـته است که باعث شـده انرژی کارگران در زمان کوتاه تری صـرف شود به علاوه کدامین اصل انسانی می گوید:

برای افزایش دادن منافع سود، کارگران را در خیالات و تجسمات بی‌اساس غوته‌ور سازیم؟

۸ – احتلالات تعقل در موسیقی دانان

...«مکتبی که ممنوعیت موسیقی را گوشزد می کند (اسلام)، در حقیقت بزرگترین حمایت را از درون آدمیان به عهده گرفته است. حال اگر ما در درون موسیقی دانان و آهنگ سازان و نه شنوندگان موسیقی هیچ اختلالی نمی‌بینیم؛

اولاً:

این ادعای کلی به هیچ وجه قابل اثبات نیست؛ زیرا مگر نمی گویند موسیقی حافظه‌ی آدمی را از کار می‌اندازد یا کم می کند.

ثانیاً:

فرض می کنیم که ما هیچ ضـرر محسوسـی در آن اشـخاص که با موسـیقی سرو کار دارند نمی‌بینیم؛ اما نباید فراموش کنیم که هیچ حقوق دان، فیزیک دان و هیچ یک از دانشـمندان علوم تحقیق، نه تنها از موسیقی برای کارهای خود بهره برداری نکرده‌اند، بلکه به جهت مخالف بودن موسیقی با فعالیت‌های علمی مغز همواره راه تعقل و اندیشه را از موسیقی جدا کرده‌اند.

این حقیقت دلیل آن است که اندیشه و تعقل با تحریکات و تجسـمات موسـیقی سازش ندارد؛ بنا بر این ما نوعی از اختلال تعقل در موسیقی می‌یابیم.

۹ – گوش دادن به موسیقی‌های مجاز

در مواردی که ادای موسـیقی را در می‌آوریم یا به برخی از موسـیقی‌ها که گمان می کنیم جزء موسـیقی‌های ممنوع نیست گوش فرا می‌دهیم. اگر این گـونه امـور ممنـوع نباشـد حـداقل قـدم روی نوار بـاریکی گذاشـته‌ایم که یـک طرف آن قطعاً قلمرو ممنوعیت و حرمت می‌باشـد و چـون نفس آدمی لـذت طلب است، لـذا تـدریجاً قـانون را پایمـال می‌سـازد. این را هم بـدانیم که طبـق خاصـیت پدیـده‌ی تقلیـد و مقتضـای قـانون محاکمات نوعی از تأثیر و تلقین ناخود آگاه در درون به وجود می‌آیـد که تـدریجاً سـطح مربوط روان ساییدگی پیدا کرده و کم کم از ممنوعیت موضوع تقلید می کاهد. (۸۲)

ضررهای موسیقی از دیدگاه محمد تقی جعفری (قدّس سره)

۱ – ایجاد عدم تعادل و توازن بین اعصاب سمپاتیک و پاراسماتیک (۸۳)

۲ – مرض مانی (Maniae) نوعی جنون است که درجات متعددی دارد

۳ – مرض سیکلموتی (۸۴) (Cyclothmie)

۴ – کوتاهی عمر

۵ – مرض پارانو (۸۵) (Paranoia)

۶ – ضعف اعصاب

۷ – اختلالات دماغی (اغتساسات مغزی، هیجانات روحی – جنون)

۸ – تأثیرات قلبی

۹ – واسطه انتحار و خود کشی

۱۰ – بیماری فشار خون

۱۱ – عامل فحشا

۱۲ – تضعیف و تضییع حس شنوایی (سامعه)

۱۳ – تضعیف و تضییع حس بینایی (باصره)

۱۴ – هیجان

۱۵ سلب اراده و شکست شخصیت

۱۶ – سلب غیرت

۱۷ – عامل جنایت

۱۸ – جلب توجه غیر طبیعی

۱۹ – از دست دادن نیروی فکری

۲۰ – تضییع نیروی قضاوت

۲۱ – افسردگی و خمودگی

۲۲ – تهییج عشق (۸۶)

۲۳ – شکست عمر و جوان مرگی

۲۴ – زنجیر بردگی

۲۵ – روش لغو

۲۶ – اتلاف وقت (۸۷)

سخنان فقهاء اهل سنت درباره‌ی موسیقی

۱ – امام حنیفه آن را حرام دانسته و آن را و شنیدنش را از گناهان شمرده و این معنی نظریه‌ی مشایخ اهل کوفه است، مانند سفیان، حماد، ابراهیم و شعبی و عکرمه.

۲ – از مالک، امام مالکیه نقل شده که او نهی کرده از غنا و از گوش دادن به آن و گفته است اگر کسی کنیزی خریداری کرد بعداً

دید او مغنیه و آوازه خوان است می‌تواند به واسطه‌ی این عیب آن را رد کند و این نظریه‌ی سایر اهل مدینه نیز هست جز ابراهیم بن سعد تنها. (۸۸)

در مفتاح السعاده ج۱ ص ۳۳۴ است که گفته شده لذت بردن به آوازه‌ی غنا و نواختن وسایل موسیقی کفر است. (۸۹)

یزید بن الولید ناقص گفت:

ای بنی امیه! خود را نگاه دارید از آوازه‌ی غنا، زیرا آن حیاء را کم می‌کند، شهوت را می‌افزاید، مردانگی را منهدم می‌سازد و آن جایگزین شراب کار می‌کند و عمل می‌کند همان را که مستی انجام می‌دهد، پس اگر شما ناچار انجام می‌دهید پس از زن‌ها دور نگهدارید زیرا آوازه‌ی موسیقی دعوت به زنا می‌کند. (۹۰)

زیان‌های آفت بار موسیقی، یا بیانی حکیمانه

و گفته شده که آوازه‌ی غنا جاسوس دل است و دزد مردانگی عقلها و به سرعت در شهرهای دل می‌تازد و بر رازهای دلها آشنا می‌شود و می‌خزد، به خانه‌ی خیالبافی و تحریک و پراکنده می‌سازد آنچه را در خفتگی فرو رفته بود از هواهای نفسانی و شهوات و سخافت و جِلفگی. پس در حالی می‌یابی یک مرد را که بر او حاکم است نشانه‌ی وقار و سنگینی و درخشندگی عقل و بهجت ایمان و آرامش علم و سخنش حکمت است و سکوتش پند. ولی ناگاه آوازه‌ی غنا را می‌شنود عوض شده و به عکس عقل و خیالش کم می‌شود، مردانگی و بزرگواریش از بین می‌رود، پس از آن نیکو می‌شمارد آنچه را قبلاً زشت می‌دید و آشکار می‌کند از درون خود آنچه را قبلاً می‌پوشاند و بر می‌گردد از آن سکوت و آرامش به پُر گویی و هذیان گویی و نا آرامی، گویا جنی و یا جن زده شده و چه بسا با دستها به کف زدن و با پا به پای کوبی می‌افتد و میگساری نیز به چنین حالی می‌کشد و غیر از اینها. (۹۱)

موسیقی از دیدگاه دانشمندان غیر اسلامی

بر اساس نظر بسیاری از روان شناسان، موسیقی احساسات بشر را در مسیر غیر طبیعی و غیر عادی توسعه می‌دهد و انسان را در یک عالم ناخودآگاهی کامل فرو می‌برد و قوه‌ی خیالبافی غیرطبیعی و غیر واقعی را در انسان زیاد می‌کند.

موسیقی لذت نیست بلکه قوه‌ی خیال را تحریک می‌کند و انسان را از آن خیال‌های خود لذت می‌برد به خاطر آن که اگر چند نفر حتی یک موسیقی گوش دهند. لذتی که اینها از موسیقی می‌برند یک جور نیست و آن تخیلاتی که در آن فرو می‌روند یک شکل نیست؛ بلکه هر کس یک نوع لذتی می‌برد و در یک عالم خیالی سیر می‌کنند لذا می‌گویند اکثر بیماریهای روانی از همین جا شروع می‌شود که انسان در یک عالم گنگ فرو می‌رود که خود نمی‌تواند تعریف نماید. (۹۲)

و این که به نظر بعضی از دانشمندان در این مورد توجه فرمایید:

۱ - ویکتور هوگو (نویسنده مشهور فرانسه) می‌گوید:

«علت این که ما از موسیقی خوشمان می‌آید اینست که در عالم خیال‌ها و رویاها فرو می‌رویم» (۹۳)

۲ - آرون کوپلند می‌گوید:

«موسیقی انسان را از عالم اصوات بیرون می‌برد و به یک دنیای خیالی و رؤیایی می‌راند.» (۹۴)

۳ - لئوتولستوی (نویسنده روسی) می‌نویسد:

«موسیقی محصول احساسات و هدف احوال نفسانی و عواطف انسانی است». (۹۵)

۴ – دکتر ولف آدلر (پرفسور دانشگاه کلمبیا) می گوید:

«موسیقی علاوه بر این که سلسله اعصاب ما را در اثر جلب دقت خارج از طبیعی آن، سخت خسته می کند، عمل ارتعاش صوتی که موسیقی انجام می‌شود تولید تعرض خارج از حد طبیعی در جلد می‌نماید که بسیار زیانمند است». (۹۶)

۵ – دکتر آلکسیس کارل (فیزیو لوژیست بزرگ فرانسوی) می گوید:

«ساز و آ و از و کنسرت‌ها و اتومبیل و ورزش نمی‌توانند جای فعالیت‌ها و کارهای سودمند اجتماعی را بگیرند. رادیو نیز مانند سینما و موزیکال، کاهلی کاملی به کسانی می‌بخشد که با آن سر گرمند. بدون شک الکلیسم کارگران ما را از پا در می‌آورند و سر و صدا ی رادیو، سینما و ورزش نا مناسب روحیه‌ی فرزندان ما را فلج می کند.» (۹۷)

۶ – هگل (فیلسوف مشهور فرانسوی): «ذکر و عبادت مسلمانان در معابد بی‌آلایش خود فکر می‌آورد و دعای (مسیحیان) کلیسا با عربده‌ی ناقوس و نقش و نگار در و دیوار، تشویش خاطر و انصراف ناظر.» (۹۸)

۷ – کانت (فیلسوف آلمانی): «موسیقی اگر از همه‌ی موسیقی‌ها مطبوع‌تر باشد ولی چون به بشر چیزی نمی‌آموزد از تمام هنرها پست‌تر است». (۹۹)

۸ – دکتر آرلوند فرید مانی (پزشک بیمارستان نیویورک و رئیس کلینیک سردرد): «او با کمک دستگاه‌های الکترونی، تعیین امواج مغز و تجربیاتی که در طی مراجعه هزاران بیمار به دست آورد ثابت کرده است که یکی از عوامل مهم خستگی‌های روحی و فکری و سردردهای عصبی، گوش دادن به موسیقی رادیوست مخصوصاً برای کسانی که به موسیقی آن دقت و توجه کنند». (۱۰۰)

۹ – دکتر ربرت (متخصص روانشناسی کودک در انگلیس) می گوید:

«اطفال در رحم مادر تحت تأثیر موسیقی قرار می گیرند و اگر مادر حامله به موسیقی گوش دهد ضربان قلب طفل در رحم زیاد می‌شود این حالت از ۶ ماهگی به بعد است» (۱۰۱)

۱۰ – دکتر اوریزن اسوت مارون می گوید:

«هیجان بزرگترین عامل سکته‌های قلبیست هنرمندان اغلب به علت سکته قلبی در گذشته‌اند از این بیان معلوم می‌شود هیجان حاصله از موسیقی تا چه حد خطرناک است.» (۱۰۲)

۱۱ – دانشمندان روانشناسی در مورد موسیقی می گویند): موسیقی) آثار مرموزی را در دماغ و قوای مغز به جای می گذارد و آن اثری که از این حالت یعنی توجه غیر طبیعی محسوس است اینست که اراده تضعیف می گردد و شنونده‌ی موسیقی تمام قوای غدد را گویا در گوش متمرکز کرده و هیچ یک از اعضای بدن او در آن حال با اراده‌ی او حرکت نمی کند، لذا گاهی دست و پای شنونده طبق ارتعاشات صوتی و نواهای موسیقی بنای حرکت کردن را می گذارد و خلاصه یک رقص خفیف بدون اراده‌ی شنونده انجام می‌شود. (۱۰۳)

فصل ششم؛ استفتائات مراجع درباره‌ی موسیقی و غنا

استفتائات مراجع درباره‌ی موسیقی و غنا

استماع نوارهای موسیقی

سؤال ۱: گوش دادن به نوارهایی که توسط وزارت ارشاد و یا حوزه هنری تبلیغات تهیه می‌شود و از نظر آنان مجاز است چه حکمی دارد؟

مقام معظم رهبری (دامت برکاته): اگر فیلم‌ها یا نوارها به نظر مکلف عرفاً مشتمل بر غنا یا موسیقی مطرب و لهوی مناسب با مجالس

لهو و گناه باشد، توزیع و عرضه‌ی آنها و همچنین دیدن و گوش دادن به آنها برای او جایز نیست و مجرد تأیید برخی از ادارات مربوطه زمانی که نظر مکلف در تشخیص موضوع با نظر تأیید کنندگان مخالف است دلیل شرعی برای جواز محسوب نمی‌شود. (۱۰۴)

آیت الله العظمی بهجت (دامت برکاته): نواری که فساد انگیز است استماع آن حرام است و همینطور اگر مطرب باشد استماع آنها حرام است.

آیت الله العظمی تبریزی (قدّس سره): گوش دادن به موسیقی لهوی حرام است چه از نوار باشد یا غیر نوار. اجازه دادن یا ندادن یک موسسه یا سازمان اعتبار و اثری ندارد.

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (قدّس سره): اگر مطرب و مهیج و مناسب مجالس خوشگذرانی باشد حرام است.

در غیر این صورت اشکالی ندارد و عناوین مختلف یا مرکز پخش و مجوز ارشاد تأثیری در این حکم ندارد.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته): اگر مشتمل بر غناء و موسیقی (ساز و آواز) باشد حرام است.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته): کلیه صداها و آهنگهایی که مناسب لهو و فساد است حرام و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود و مجوز وزارت ارشاد حرام را حلال نمی‌کند. (۱۰۵)

استماع و تکثیر نوار خوانندگان زن

سؤال ۲: متأسفانه اخیراً نوارهای موسیقی همراه با خوانندگی زن با مجوز وزارت ارشاد منتشر شده است آیا تکثیر و استماع این گونه نوارها چگونه است؟

آیت الله العظمی بهجت (دامت برکاته): جایز نیست.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته): استماع آنها حرام و تکثیر یا به دیگر دادن حرام است و مجوز وزارت ارشاد وجه شرعی ندارد بلکه اشاعه فساد است.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته): تکثیر و استماع این گونه نوارها حرام است و مجوز وزارت ارشاد حکم الهی را تغییر نمی‌دهد.

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (قدّس سره): جایز نیست.

آیت الله العظمی تبریزی (قدّس سره): گوش دادن و تکثیر نوارهای مزبور حرام است، موسسه یا شخصی اجازه بدهد یا ندهد. (۱۰۶)

اجرت تکثیر نوارهای حرام

سؤال ۳: اجرت گرفتن جهت تکثیر فیلم و نوارهای مبتذل و حرام آیا حلال است یا حرام؟ و در صورت کسب از این راه پولهای به دست آمده را چه باید کرد؟

مقام معظم رهبری (دامت برکاته): در فرض سؤال اجرت حلال نیست و پولهای به دست آمده باید به صاحبان آن برگردانده شود و اگر از یافتن ایشان مأنوس است از طرف ایشان به فقیر صدقه بدهد.

آیت الله العظمی سیستانی (دامت برکاته): حرام و مالك اجرت نمی‌شود.

آیت الله العظمی تبریزی (قدّس سره): اجرت گرفتن جهت امر مزبور اکل مال به باطل بوده و جایز نیست و پولی که از این طریق به دست آمده باید به صاحبان آن برگردانده شود و چنانچه شخص صاحبان پول را نمی‌شناسد باید آن را از طرف آنها به فقیر صدقه

بدهد.

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (قدّس سره): حرام است.

در صورتی که صاحب آن را نمی‌شناسد آن را به فقیر صدقه بدهد.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته): اجرت مذکوره حرام است و پولهای به دست آمده را باید به صاحبانش برگرداند اگر دسترسی به صاحبان نداشته باشد باید از طرف آنها به عنوان صدقه به فقیر غیر سید داده شود و احتیاطاً برای این کار از مجتهد هم اجازه بگیرد.

آیت الله العظمی بهجت (دامت برکاته): حرام است و در آمد از حرام هم حرام است و پولهای به دست آمده را به صاحبان آن برگردانید و در صورت یأس در حکم مجهول المالك است.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته): اجرت کار حرام نیز حرام است و باید به صاحبان آنها باز گردد و اگر دسترسی به آنها نیست از طرف آنها به فقیری صدقه بدهید. (۱۰۷)

موسیقی و غنای صدا و سیما

سؤال ۴: آیا به نظر حضرت عالی استماع آهنگهایی که از صدا و سیما پخش می‌شود چگونه است؟

امام خمینی (قدّس سره): موسیقی مطرب جایز نیست و آهنگهای مشکوك اشکال دارد.

شرکت در مجالس عروسی یا جشن‌هایی که در آن برنامه موسیقی اجرا می‌شود چگونه است؟

آیت الله گلپایگانی (قدّس سره): شرکت در مجالس مذکوره جایز نیست.

پخش نوارهای موسیقی توسط برخی رانندگان

سؤال۵: برخی از رانندگان بی‌تعهد از نوارهای موسیقی مبتذل و ترانه استفاده می‌کنند و موجبات اذیت مسافران مؤمن را فراهم می‌آورند آیا عمل آنان چگونه است؟

مقام معظم رهبری (دامت برکاته): مرتکب کار حرام می‌شوند.

آیت الله تبریزی (قدّس سره): پخش نوار موسیقی لهوی و گوش دادن به آن حرام است.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته): مرتکب کار حرامی شده‌اند و از امر به معروف و نهی از منکر با زبان خوش و مؤدبانه نا امید نشوید.

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (قدّس سره): حرام است.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته): استفاده از نوارهای مذکور بر راننده و غیره حرام است.

آیت الله العظمی بهجت (دامت برکاته): باید از نوارهای مذکور اجتناب کرد.

آیت الله العظمی سیستانی (دامت برکاته): مرتکب گناه می‌شوند. (۱۰۸)

موسیقی سنتی

سوال ۶: آیا موسیقی سنتی که میراث ملی ایران می‌باشد حرام است یا خیر؟

مقام معظم رهبری (دامت برکاته): چیزی که از نظر عرف موسیقی لهوی مناسب با مجالس لهو و معصیت محسوب می‌شود به طور مطلق حرام است و در این مورد فرقی بین موسیقی ایرانی و غیر ایرانی و موسیقی سنتی و غیر آن نیست. (۱۰۹)

آیت الله العظمی سیستانی (دامت برکاته): معیار حرام و حلال سنتی بودن نیست.

آیت الله العظمی بهجت (دامت برکاته): موسیقی مطرب حرام است و موسیقی ملهی نیز مورد احتیاط است.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته): حرام است.

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (قدّس سره): سنت حرام باید ترک شود.

آیت الله العظمی تبریزی (قدّس سره): موسیقی لهوی حرام است و فرقی بین سنتی و غیر سنتی نیست. (۱۱۰)

جمع آوری اعانات با استفاده از گروه‌های موسیقی

سؤال ۷: کمیته امداد و برخی نهادها و ادارات در مراسم عروسی یا جمع آوری کمکهای مردمی از گروه‌های ارکستر موسیقی و گروه‌های سرود پسر و دختر استفاده می‌کنند، آیا شرعاً جایز است؟

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (قدّس سره): اگر مفسده داشته باشد جایز نیست و باید توجه داشت که نوعاً بر چنین مواردی مفسده مترتب است.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته): حرام است.

آیت الله العظمی تبریزی (قدّس سره): عمل مذکور حرام است.

استعمال آلات موسیقی به کیفیت لهوی حتی در مراسم عروسی جایز نیست.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته): برای کارهای خیر تنها از درآمدهای مشروع باید استفاده کرد.

آیت الله العظمی بهجت (دامت برکاته): استفاده از آلات لهو در لهو حرام است و در غیر لهو مبنی بر احتیاط است و موسیقی مطرب و لو در عروسی جایز نیست. (۱۱۱)

خرید و فروش آلات لهو و لعب

سؤال ۸: خرید و فروش و استعمال و نگهداری تنبک و دایره و فلوت چه صورت دارد؟

مقام معظم رهبری (دامت برکاته): خرید و فروش آلات مختص حرام جایز نیست.

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (قدّس سره): استعمال و نگهداری آلات مختصه‌ی لهو و لعب حرام است.

آیت الله العظمی بهجت (دامت برکاته): جایز نیست.

آیت الله العظمی تبریزی (قدّس سره): خرید و فروش و استعمال آلات لهو جایز نیست.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته): با توجه به این که بیشترین استفاده از این وسایل در حال حاضر استفاده حرام است خرید و فروش و نگهداری آنها جایز نیست.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته): جایز نیست. (۱۱۲)

صرف بیت المال برای ساخت فیلمهای انحرافی و کنسرتهای موسیقی

سؤال ۹: مصرف بیت المال و در اختیار نهادن امکانات عمومی برای ساخت فیلمهای انحرافی اجرای تئاترهای ضد اخلاقی و کنسرتهای موسیقی چه صورت دارد؟

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (قدّس سره): جایز نیست.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته): جایز نیست

آیت الله العظمی بهجت (دامت برکاته): جایز نیست.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته): واضح است که جایز نیست و نیاز به سؤال ندارد و از گناهان کبیره است.

آیت الله العظمی تبریزی (قدّس سره): ظاهر سؤال شما اینست که جواب را می‌دانید و در این صورت چه نیاز به بیان است.

آیت الله العظمی سیستانی (دامت برکاته): بر فرض ثبوت این اوصاف@ لهوب بودن موسیقی جایز نیست. (۱۱۳)

موسیقی غم انگیز

سؤال ۱۰: گوش دادن به موسیقی غم انگیز چه حکمی دارد؟

همه مراجع: در موسیقی حرام تفاوتی بین شاد و غم انگیز بودن آن نیست و گوش دادن به هر دو حرام است. (۱۱۴)

موسیقی نیرو بخش

سؤال ۱۱: اگر گوش دادن به موزیک باعث نیرو گرفتن و علاقه پیدا کردن به کار باشد حکمش چیست؟

همه مراجع: اگر از نوع موسیقی حرام باشد گوش دادن به آن جایز نیست. هر چند باعث علاقه پیدا کردن به کار شود. (۱۱۵)

موسیقی تفریحی

سؤال ۱۲: آیا استماع موسیقی و یا غنا به قصد تفریح، تفنن و گذراندن اوقات فراغت اشکال دارد؟

همه مراجع: اگر از نوع موسیقی حرام باشد گوش دادن به آن جایز نیست. هر چند به منظور هدف یاد شده باشد. (۱۱۶)

موسیقی کوتاه

سؤال ۱۳: آیا گوش دادن به موسیقی، (حد و اندازه و زمان) مشخص دارد؟

برای مثال اگر کسی دو دقیقه به قطعه‌ای از موسیقی لهوی گوش دهد آیا مرتکب گناه شده است؟

همه مراجع: تفاوتی میان موسیقی کوتاه مدت و بلند مدت نیست. (۱۱۷)

موسیقی و فقهاء

سؤال ۱۴: اگر موسیقی یک هنر مبتنی بر اصول و قواعد علمی و تاریخیست آیا بهتر نیست فقیهان – که نه جزء عرف محسوب می‌شوند و نه کارشناس موسیقی هستند درباره‌ی مصداق موسیقی حکم ندهند؟

تردیدی نیست که موسیقی، یک هنر و دانش به شمار می‌آید و دارای قواعد علمی و فرمول‌های پیچیده‌ایست و نیز تشخیص موضوع و مصادیق موسیقی حرام و حلال، بر عهده‌ی عرف و مکلف نهاده شده و وظیفه‌ی فقیهان تنها بیان و تبیین حکم است و به هیچ وجه نظر خاص فقهی آنان در این زمینه (موضوعات) معتبر و حجت نیست؛ جز در مواردی که موضوع از موضوعات شرعی باشد و یا شرع مقدس موضوع را با معیارهای خاص خود پایه و صدور حاکم قرار داده باشد ولی با وجود آن اشاره به چند نکته در این راستا بایسته است:

یکم:

بسیاری از مصادیق موسیقی حرام، طوریست که همه آن را درک می کنند و مجتهد نیز به عنوان یک مکلف و فرد (همانند دیگران) نظر عرفی خود را بیان می کند و مصادیق موسیقی حرام و حلال را از یکدیگر جدا می‌سازد.

دوم:

با اندکی تأمل در رساله‌ها و استفتائات مراجع تقلید، روشن می‌شود که آنان به هیچ وجه پا به عرصه موضوع نگذاشته و در آن حکم صادر نکرده‌اند؛ بلکه تنها در حکم کلی موسیقی نظر خود را بیان نموده‌اند.

برای مثال وقتی از آنان در باره‌ی برخی از آلات موسیقی (از قبیل پیانو، گیتار، سه تار و) ... سؤال می‌شود، در پاسخ می گویند: استفاده از آنها به طور لهوی و مناسب مجالس فساد و خوش گذرانی حرام است و تشخیص آن بر عهده‌ی عرف است.

در برخی موارد نیز به طور صریح اظهار داشته‌اند که تشخیص موسیقی حرام بر عهده‌ی عرف عام است؛ نه فقیه و یا کارشناس موسیقی. (۱۱۸)

سوم:

شارع مقدس فهم و شناخت الفاظ و مفاهیمی را که دارای حکم شرعی بوده، بر عهده‌ی عرف واگذار مرده و نظر تشخیص او را مورد تأیید خود قرار داده است (مگر در موارد خاص) (۱۱۹) و تردیدی نیست که عرف متدین و متشرع موسیقی لهوی را به خوبی می‌شناسد؛ هر چند از اصول و قواعد علمی آن هیچ گونه اطلاعی نداشته باشد.

این امر در بسیاری از موضوعات صادق است؛ برای مثال قمار، قانون و قواعد علمی دارد و مؤمنانی که از اهل قمار نیستند و از قواعد آن بی‌خبرند، قمار بودن آن را به خوبی می‌شناسند. بنا بر این لازم نیست که فقیه از قواعد دقیق و پیچیده علم موسیقی آگاهی داشته باشد تا بتواند فتوا صادر کند؛ بلکه همین اندازه برای او کافیست که دیدگاه دین را به کلیت خود بیان کند و تشخیص مصادیق و نمونه‌ها را به عرف مردم واگذار نماید. افزون بر آنکه برخی از فقیهان از علم موسیقی و رموز و دقایق آن آگاهی داشته‌اند.

(۱۲۰)

موسیقی درمانی

سؤال ۱۶: امروزه موسیقی برای معالجه بعضی از بیماریهای روانی (مانند افسردگی، اضطراب، مشکلات جنسی و سرد مزاجی زنان) به کار می‌رود، حکم آن چیست؟

همه مراجع: اگر نظر پزشک متخصص و امین بر اینست که تنها راه معالجه و درمان آن، استفاده از موسیقی است، گوش دادن به آن مقداری که درمان بیمار اقتضا می کند، اشکال ندارد. (۱۲۱)

تبصره: فرض فوق بسیار نادر است و خداوند متعال در کارهای حرام — از جمله موسیقی ممنوع - شفا قرار نداده است و پاسخ یاد شده تنها هنگام ضرورت به کار می‌آید.

نمایشگاه آلات موسیقی

سؤال ۱۷: حکم تشکیل نمایشگاه آلات موسیقی چیست؟

همه مراجع: حکم نگه داری آلات موسیقی را دارد.

تشکیل خانه و هنرستان موسیقی

سؤال۱۸: طبق برنامه‌ریزیهای اعلام شده بنا بر اینست که خانه‌ها و هنرستانهای موسیقی در شهرستانها تشکیل شود که با عکس العمل مردم مواجه شده است.

نظر حضرت عالی درباره‌ی با رواج موسیقی چیست؟

مقام معظم رهبری (دامت برکاته): آموزش موسیقی و ترویج آن برای نوجوانان با اهداف نظام جمهوری اسلامی سازگار نیست.

آیت الله بهجت (دامت برکاته): موسیقی مطرب، شنیدن و تعلیم و تعلم آن و مقارن آن حرام است.

آیت الله تبریزی (قدّس سره): موسیقی لهوی تعلیم و تعلم و اجرت گرفتن برای آن حرام است و اینها مظاهر فسادیست که به خاطر مسامحه بعضی از متصدیان شروع شده است.

آیت الله مکارم شیرازی (دامت برکاته): بدون شک تأسیس این گونه مراکز موجب گسترش فساد است و جایز نیست. (۱۲۲)

آموزش موسیقی

سؤال ۱۹: در برخی مراکز دولتی و حقوقی کلاسهای آموزش موسیقی و تئاتر برای دختران تشکیل شده و مربیان مرد آموزش را به عهده دارند آیا تشکیل چنین کلاسها و شرکت دختران در این کلاسها جایز است یا خیر؟

مقام معظم رهبری (دامت برکاته): نگاه کردن به نامحرم و هر گونه کاری که مستلزم حرام و موجب مفسده باشد حرام است.

آیت الله تبریزی (قدّس سره): موسیقی لهوی تعلیم و تعلم و اجرت گرفتن برای آن حرام است و اینها مظاهر فسادیست که به خاطر مسامحه بعضی از متصدیان شروع شده است.

آیت الله مظاهری (دامت برکاته): حرام است.

آیت الله صافی گلپایگانی (دامت برکاته): حرام است.

آیت الله مکارم شیرازی (دامت برکاته): جایز نیست. (۱۲۳)

تشویق موسیقی دانان

با توجه به آیات و روایاتی که در بحث موسیقی گذشت روشن شد که از نظر اسلام موسیقی مطرب جزء پلیدترین کارها است، تا جایی که شارع مقدس آن را در ردیف شراب و مقدمه‌ی زنا و سایر گناهان قرار داده است از لحن شدید احادیث بر می‌آید که انسان عاقل برای نجات از این سم کشنده در جایی که شک هم دارد اجتناب می‌نماید تا چه رسد مجالسی تحت عنوان موسیقی سنتی و اصیل ایرانی و امثال اینها را بر پا نماید و جوایزی از بیت المال مسلمین به مروجین موسیقی بدهد آیا در کشور ما مشکل مردم از جهت اقتصادی، اشتغال و بیکاری، تورم، ازدواج جوانان، فرهنگ ناب اسلامی و صدها امور دیگر حل شده تا به این کارهای باطل بپردازیم؟!

بر فرض که همه مشکلات ما حل شده، مگر اسلام عزیز اجازه می‌دهد اموال مردم صرف امور پوچ و بیهوده گردد، در کجای تاریخ معتبر اسلام داریم که پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و یا حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام و سایر ائمه عَلَیْهِمُالسَّلَام. العیاذ بالله جلسه‌ای تحت عنوان موسیقی اصیل عربی و ... تشکیل داده و مروجین موسیقی اعم از موسیقی حرام یا مشکوک را با بیت المال تقدیر نامه و صوت و کف مورد تشویق قرار دهند.

و اینک به فتاوای اسلام شناسان واقعی که همان علماء ربانی و مراجع عظیم الشأن هستند توجه فرمائید:

سؤال ۲۰: متأسفانه برخی متصدیان فرهنگی کشور، بعضی از نویسندگان طاغوتی را تشویق کرده و یا با برپایی جشنواره‌های موسیقی هدایایی را به عنوان تشویق به موسیقی دانان می‌پردازند. آیا صرف بیت المال مسلمین در این راستا و اهدای هدایا از بیت

المال به این گونه افراد جایز است و اساساً این حرکات در نظام اسلامی چه صورت دارد؟

مقام معظم رهبری (دامت برکاته): صرف بیت المال باید طبق موازین قانونی و شرعی صورت پذیرد.

آیت الله تبریزی (قدّس سره): تشویق کسانی که موسیقی لهوی می‌زنند حرام است و کسی که اموال عمومی را صرف آنها می‌کند ضامن است و نزد خداوند متعال مسؤول اعمالش می‌باشد و باید توجه کند و گر نه در آخرت مسؤول خواهد بود.

آیت الله صافی گلپایگانی (دامت برکاته): موسیقی متداول فعلی به تمام اقسامه حرام است و تعلیم و تعلم و صرف بیت المال مسلمین در این گونه امور حرام است و موجب اشتغال ذمه مسؤولین مربوطه است.

آیت الله مکارم شیرازی (دامت برکاته): تشویق کسانی که موسیقی می‌نوازند جایز نیست.

آیت الله فاضل لنکرانی (قدّس سره): مربوط به نظر مسؤولین است ولی به طور کلی اگر کار حرامی صورت گیرد به هیچ وجه جایز نیست.

آیت الله مظاهری (دامت برکاته): حرام است و ضمان آور می‌باشد.

(۱۲۴)

سؤالاتی پیرامون زنان و غنا

صدای مداحی زن

سؤال ۲۱: در برخی موارد مرثیه خوانی و یا مداحی زنان در مجلس خودشان به گونه‌ایست که صدای آنان با بلندگو به گوش مردان رهگذر می‌رسد، آیا این عمل جایز است؟

همه مراجع (به جز مکارم): اگر صدای آنان در معرض ریبه، تلذذ و تهییج شهوت باشد جایز نیست. (۱۲۵)

آیت الله مکارم:

خیر، جایز نیست. (۱۲۶)

صدای گریه زن

سؤال ۲۲: حکم استماع صدای گریه زن نامحرم، چه حکمی دارد؟

همه مراجع: اگر باعث تهییج شهوت و مفسده نشود، اشکال ندارد. (۱۲۷)

صدای خنده زن

سؤال۲۳: لبخند و خندیدن هنگام صحبت با مرد نامحرم چه حکمی دارد؟

همه مراجع: اگر خنده‌ی او طوری باشد که باعث تهییج شهوت نامحرم شود، جایز نیست. (۱۲۸)

سؤال: شنیدن صدای خنده زنان در مجلس فامیلی و غیره، چه حکمی دارد؟

همه مراجع: اگر شنیدن آن باعث تلذذ و ترس افتادن به گناه نباشد، اشکال ندارد. (۱۲۹)

صدای تلاوت زن

سؤال ۲۴: از آنجایی که اینجانب در رشته‌ی علوم و فنون کتابت و قرائت قرآن مجید، در دانشگاه تحصیل می‌کنم و قرائت صوت

جزء درسهای اصلی می‌باشد، خواندن قرآن با صوت زیبا برای یادگیری در مقابل استاد مرد چگونه است؟

همه مراجع (به جز مکارم): اگر به صورت غنا نباشد و باعث تهییج شهوت شنونده نگردد و مفسده‌ی دیگری نیز نداشته باشد اشکال ندارد.

آیت الله مکارم:

جایز نیست. (۱۳۰)

صدای دکلمه‌ی زن

سؤال ۲۵: گوش کردن به صدای زن که به صورت شعر و دکلمه خوانده می‌شود و گاهی با احساسات شاعرانه نیز همراه است چه حکمی دارد؟

همه مراجع (به جز صافی) اگر باعث تهییج شهوت و مفسده نشود، اشکال ندارد.

آیت الله صافی گلپایگانی: جایز نیست. (۱۳۱)

صدای کوکانه‌ی زن

سؤال ۲۶: آیا زن می‌تواند در برنامه‌های کودکان و امثال آن صدای خود را به لحن کودکان در بیاورد و آواز بخواند؟

آیات عظام:

امام، بهجت، صافی، فاضل و مکارم:

خیر خوانندگی زن (به هر شکلی که باشد) جایز نیست و گوش دادن به آن نیز حرام است.

آیات عظام:

تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، نوری و وحید:

اگر به صورت غنا نباشد و باعث تهییج شهوت شنونده نشود و مفسده‌ای بر آن مترتب نگردد اشکال ندارد و گوش دادن به آن نیز جایز است.

(۱۳۲)

همخوانی زنان

سؤال ۲۷: همخوانی زنان در سرودها، تواشیح چه حکمی دارد و آیا شنیدن آن جایز است؟

آیات عظام:

امام، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، نوری و وحید:

اگر باعث تهییج شهوت و مفسده نگردد اشکال ندارد.

آیات عظام:

بهجت، صافی و مکارم:

اگر باعث مفسده شود، حرام است و بدون آن نیز بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. (۱۳۳)

جمع خوانی زن و مرد

سؤال۲۸: همخوانی زنان و مردان در سرودها و تواشیح چه حکمی دارد؟

آیا شنیدن آن جایز است؟

آیات عظام:

امام، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، نوری و وحید:

اگر به صورت غنا نباشد و باعث تهییج شهوت نشود و مفسده‌ی دیگری نداشته باشد، اشکال ندارد.

آیات عظام:

بهجت، صافی و مکارم:

اگر باعث مفسده شود حرام است و بدون آن نیز بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. (۱۳۴)

آواز زن برای شوهر

سؤال ۲۹: آیا آواز خواندن زن برای شوهرش جایز است؟

همه مراجع: اگر به صورت غنا باشد، جایز نیست. (۱۳۵)

سؤال: در شب عروسی آواز زن را بر روی نوار یا سی دی ضبط می‌کنند آیا بر زنان جایز است در روزهای دیگر آن را گوش کنند؟

همه مراجع: خیر، جواز استماع، آواز خوانی زن، مختص به شب عروسیست و گوش دادن در غیر این شب جایز نیست. (۱۳۶)

آواز شب عروسی

سؤال ۳۰: آیا جایز است زن در شب عروسی (در مجلس زنان) غنا و آواز بخواند و عده‌ای برقص و زدن بر روی میز و صندلی مشغول شوند؟ حکم چنین مجلسی از نظر شرع چیست (البته از آلات موسیقی استفاده نمی‌شود)؟

همه مراجع به جز تبریزی و خامنه ای: در فرض مذکور اشکال دارد.

آیت الله تبریزی: اگر مرد یا پسر ممیز در مجلس زنانه حضور نداشته باشد و از موسیقی لهوی نیز استفاده نکنند، آواز زن در مجلس زنان و رقص زن برای زنان و زدن بر میز و صندلی و مانند آن – که از آلات موسیقی محسوب نمی‌شود – اشکال ندارد.

آیت الله خامنه ای: اگر کیفیت زدن به شیوه‌ی متداول در عروسی‌های سنتی باشد و لهو محسوب نشود و نیز رقص زن بر ای زنان، باعث تحریک شهوت و یا مفسده‌ی دیگر نگردد، اشکال ندارد. (۱۳۷)

فصل هفتم؛ بیماری‌ها و امراض مربوط به موسیقی

کار اعصاب و تأثیر موسیقی بر آن

علمای علم فیزیولوژی دستگاه اعصاب انسان را به دو قسمت تقسیم کرده‌اند:

سلسله اعصاب ارتباطی و سلسله اعصاب نباتی.

سلسله اعصاب ارتباطی شامل ستون مرکزی اعصاب از نخاع گرفته، نیمکره‌های مغز و نیز اعصاب محیطی می‌باشد و سلسله اعصاب نباتی شامل سیستم سمپاتیک و پاراسماتیک می‌باشد.

سیستم اعصای سمپاتیک فقط از ابتدای ستون فقرات آغاز گردیده و دنباله‌ی آن به سایر اعضا پخش می گردد. اما سلسله اعصاب

پاراسماتیک از مغز و دماغ شروع شده و بعد از ستون فقرات گذشته به موازی سمپاتیک به تمام بدن تقسیم می گردد. عمل سمپانیک عبارت است از تنگ کردن رگ‌ها، اتساع عضلات صاف، جلوگیری از ترشح، فشار خون و کار پاراسماتیک گشاد کردن رگ‌ها، انقباض عضلات صاف، ایجاد ترشح و تقلیل فشار خون می‌باشد.

پاراسماتیک پس از این که از دماغ و مخ جدا شده همینکه به سمپاتیک، یعنی همان اعصابی که از ستون فقرات شروع می‌شود مصادف شده از همان جا این دو عصب به موازات یکدیگر به تمام بدن دوش به دوش و همراه یکدیگر حرکت می کنند و چون اعمال این دو عصب مخالف یکدیگر است تا هنگامی که تحریکاتی از خارج بر آنها وارد نیاید و هر دو به موازات یکدیگر کار می کنند تعادل بدن را حفظ نموده و این تعادل در صحت و سلامی روحی و جسمی انسان مدخلیت تام دارد. ولی هر گاه یکی از این دو تعادل و توازن خود را از دست داد آن گاه به نسبت عدم تعادل هر یک اختلال روانی و کالبدی (روحی و جسمی) برای شخص ایجاد می‌نماید

کار حساسه‌ی اعصاب سمپاتیک ایجاد امور فعاله بدن است از قبیل بیداری و جدیت و فعالیت در کارها (که در اصطلاح طب قدیم، با صاحب آن را حرارتی مزاج و خون گرم می‌نامند). ولی کار حساسه‌ی اعصاب پاراسماتیک درست مخالف سمپاتیک است یعنی عمل آن ایجاد سستی، خواب، غفلت، سهو و نسیان، اندوه، حزن، بیهوشی، نزع و بالاخره مرگ است.

وقتی که از خارج تحریکانی در درون اعصاب شروع می‌شود اعصاب سمپاتیک یا پاراسماتیک به میزان تحریکات خارجی تعادل خود را از دست داده پایین یا بالا می‌روند، بدیهیست به هر اندازه که فاصله بین این دو سیستم اعصاب ایجاد شود به همان اندازه نگرانی‌های روانی، اغتشاشات فکری و خلاصه عدم تعادل روحی آغاز می‌شود.

از جمله علل تحریکات خارجی که عدم تعادل بین اعصاب سمپاتیک و پاراسماتیک ایجاد می کند ارتعاشات موسیقی است، موسیقی وقتی که به آهنگ‌های نشاط انگیز یا نوارهای حزن انگیز و مخصوصاً اگر با ارتعاشات عجیب و غریب موسیقی (سمفونیک) همراه گردد، به طور مسلم تعادل لازمی را که بایستی بین دو دسته عصب «سمپاتیک و پاراسماتیک» وجود داشته باشد بر هم زده و در نتیجه اول حساس زندگی را اعم از هضم و جذب و

دفع و ترشحات و ضربات قلب و وضع فشار مایعات بدن از جمله خون و غیره را مختل ساخته و رفته رفته شخص را به گرفتاری‌ها و امراضی نزدیک می‌سازد که طب جدید با تمام پیشرفت‌های حیرت انگیز خود اغلب موارد از مطالب آن عاجز می‌ماند (۱۳۸)

و در صفحه ۶ می‌نگارد:

امراض مختلف روانی، اغتشاشات فکری، عدم تعادل روحی، انواع و اقسام دیوانگی‌ها، وفور سکته‌های قلبی و مغزی که در تمام دنیا روز به روز رو به فزونی است و فکر پزشکان بزرگ را به خود جلب نموده است، صدی نود پنج آنها نتیجه‌ی آثار همین تمدن شوم جدید است که قسمت حساس آن تعمیم موسیقی به وسیله رادیوها و ازدیاد مجالس ساز و آواز و کنسرت می‌باشد.

در اثر ایجاد سر و صداها، کنسرت‌ها، موسیقی‌های گوناگون و فیلم‌ها و کاباره‌ها و دانسینگهاست که آمار دیوانگان و بیماران روانی را در تمام کشورها رو به ازدیاد رفته و هر روز بر شماره تیمارستان‌های کشورهای جهان مخصوصاً اروپا و آمریکا افزوده می‌شود.

در صفحه ۱۰ می‌نویسد:

ای کاش بشر می‌فهمید که استعمارگران به منظور تسلط بر اعصاب و نیروی فکری ملت‌ها چگونه از راه موسیقی و الکل در تحذیر و ضعف اعصاب و ایجاد اغتشاشات فکری و بیماریهای روانی فعالیت می کنند و ای کاش انسان عصر اتم به خود می‌آمد که برای ساعتی کیف و عیش و نوش چگونه نیروهای فعاله خویش را با دست خود در اختیار دشمنان خود گذاشته است.

پرفسور دانشگاه کلمبیا دکتر ولف آدلر ثابت کرد که بهترین و دلکش‌ترین نواهای موسیقی شوم‌ترین آثار را روی سلسله اعصاب

انسان می‌بخشد مخصوصاً اگر هوا گرم باشد این تأثیر مخرب خیلی بیشتر می‌شود و در مناطق حاره چون عربستان و بعض نقاط ایران منتهای سوء اثر را دارد.

دکتر آدلر رساله مفصلی در بیان زیان‌های موسیقی منتشر نموده و در آمریکا هزاران تن از مردم پیرو او شده و موسیقی را بر خود حرام نموده و لایحه مفصلی تهیه کرده و به مجلس سنای آمریکا تقدیم داشتند که برای نجات جامعه و جلوگیری از ضعف اعصاب که یکی از بدبختی‌های دنیای متمدن امروزیست لازم است هر گونه کنسرت عمومی قدغن گردد. (۱۳۹)

موسیقی موجب اخلال در دستگاه‌های مختلف بدن

موسیقی با نواهای حزن انگیز خود گاهی آن چنان تعادل بین اعصاب سمپاتیک و پاراسماتیک را از بین می‌برد که اصول زندگی حیوان یعنی جذب، دفع، هضم، ترشحات و ضربان قلب، فشار خون مایعات دیگر را مختل ساخته و شخص را به امراض مختلفی نزدیک می کند.

آهنگ‌های شور انگیز موسیقی در اثر تحریک اعصاب نباتی گاهی آن چنان موجب اغتشاشات روانی شده که شخص را وادار به فعالیت‌های بی‌موقع و خوشی‌های ناگهانی، خنده‌های بی‌جا گفتن سخنان مسخره آمیز می‌نماید و در اثر ادامه‌ی این عمل ممکن است کم کم شخص به مرض‌هایی که نوعی از جنون است مبتلا گردد. (۱۴۰)

جنون و دیوانگی

در اثر فشار شدیدی که ارتعاشات و تحریکات خارجی موسیقی روانی روی اعصاب وارد می کند، قدرت اندیشه و فکر را از انسان می گیرد.

زیرا قوه‌ی اندیشه‌ی انسان در بین ارتعاشات موسیقی زندانی می گردد و به تدریج منجر به اغتشاشات فکری و نگرانی‌های روحی می‌شود جایی که موسیقی نیروی خِرد را فلج می کند و آثار جنون برای چنین افرادی پیش می‌آید و اکنون به نمونه‌هایی از این دیوانگی توجه فرمایید:

۱ - مجله روشنفکر درباره‌ی یک کنسرت موسیقی می‌نویسد:

...وقتی دخترها و پسرها آهنگ‌های تندرو، رعشه انگیزشان را مترنم می‌سازند سالن به لرزه می‌افتد، دخترها جیغ می کشند، به سر و گوش هم مشت می کوبند، غش می کنند، موهای خود را چنگ چنگ می‌سازند و پسرها از هوش می‌روند. همه‌ی اینها در تأثیر آهنگ‌های موسیقی در آنهاست (۱۴۱)

۲ - در جریان کنسرت پر شر و شور گروه موزیک (ولینک استونر) مردی از شدت هیجان برهنه شد و با حالت جنون آمیز بر سر و کول انبوه خلایق به راه افتاد که توسط پلیس دستگیر شد (۱۴۲)

۳ - چندی پیش (براون) خواننده انگلیسی ضمن اجرا ی برنامه‌ای در فستیوال موسیقی پوپ تمام لباس‌هایش را از تن بیرون آورد و در برابر جمعیّتی بیش از ۱۵۰۰۰ نفر برنامه اجرا کرد. ابتدا پیراهنش را در آورد و چون تماشاگران به هیجان آمدند وی هنگام خواندن آواز به کلی لخت و عریان شد و به خواندن و رقصیدن پرداخت. در این موقع افراد پلیس خود را به صحنه رساندند و به خواننده عریان را دستگیر کردند.

(۱۴۳)

۴ - در ملبورن ۵۰۰۰۰ (پنجاه هزار) نفر بعد از گوش دادن به کنسرت موسیقی چنان آنها را به هیجان آورد ناگهان همه به هم ریختند و بدون جهت یکدیگر را زخمی و مصدوم کردند تا پلیس خود را رساند چند نفر به ضرب چاقو از پای در آمدند و به چند

دختر تجاوز شد و تعداد زیادی مجروح شدند. (۱۴۴)

۵ - در ایالت لتیل راک، خانم ۶۴ ساله‌ای به نام نیکیام به جوانی پیانو می‌آموخت نغمات موسیقی چنان در روح جوان هیجان ایجاد کرد که بدون دلیل از جا برخاست و با ۱۹ ضربه چاقو معلم موسیقی خود را از پای در آورد. (۱۴۵)

۶ - در یک کنسرت موسیقی به دسته‌ای از جوانان برای اولین بار (هیستری (یک نوع بیماری روحی) دست داد. آنها پس از برنامه پیتلها به خیابان‌ها ریختند. اتومبیل‌ها را به آتش زدند، شیشه مغازه‌ها را شکستند و مغازه‌ها را غارت کردند و تعداد ۳۱۵ نفر از آنها از فرط هیجان غش کرده و به بیمارستان انتقال داده شدند. (۱۴۶)

کوتاهی عمر

از بسیاری ار آیات قرآن کریم (۱۴۷) و روایات ائمه اطهار عَلَيْهِمُالسَّلَام. استفاده می‌شود که اعمال خیر بر وسعت رزق و طول عمر می‌افزاید. ولی گناه و لهو و لعب برکت را از بین خواهد برد و از عمر انسان می‌کاهد و چون موسیقی مطرب گناه محسوب می‌شود و معمولاً مروجین موسیقی با وضع نا مناسب و عمر کوتاه از دنیا رفته‌اند.

هم اکنون اسم‌های برخی از آنها همراه با مدت عمرشان ذکر خواهد شد.

۱ - مالی ران: استاد معروف موسیقی در حال خواندن آواز در سن ۲۷ سالگی سکته کرد.

۲ - پر گولوزی: نوازنده ایتالیایی در سن ۲۶ سالگی

۳ - بلینی: نوازنده ایتالیایی در سن ۳۴ سالگی

۴ - موریس ژوبر: نوازنده فرانسوی در سن ۴۰ سالگی

۵ - شوسون: نوازنده فرانسوی در سن ۳۰ سالگی

۶ - نیکلا دوگرینی: نوازنده فرانسوی در سن ۳۲ سالگی

۷ - ژاربیژه: نوازنده فرانسوی در سن ۳۷ سالگی

۸ - مندلس: نوازنده آلمانی در سن ۳۸ سالگی

۹ - هوگو ولف: نوازنده آلمانی در سن ۴۳ سالگی

۱۰ - ماکس رگر: نوازنده آلمانی در سن ۴۳ سالگی

۱۱ - موزارت: نوازنده اتریشی در سن ۳۵ سالگی

۱۲ - شوبرت: نوازنده اتریشی در سن ۳۱ سالگی

۱۳ - لانر: نوازنده اتریشی در سن ۴۲ سالگی

۱۴ - حبیب سماعی: نوازنده ایرانی در سن ۴۵ سالگی (۱۴۸)

تقاضای ممنوعیت موسیقی در غرب

کسانی که عمری به دنبال ترویج موسیقی بوده‌اند امروز از عمل خویش پشیمان شده‌اند.

بر همین اساس تقاضای ممنوعیت آن را نموده‌اند.

مجله صبح در این مورد می‌نویسد:

«گروهی از والدین نوجوانان، ضمن طوماری از کنگره‌ی آمریکا خواستند تا موسیقی «راک» و «رپ» را غیر قانونی اعلام کنند زیرا باعث از بین رفتن بچه‌های آنها می‌شود.

یکی از افراد به شبکه‌ی بی‌بی‌سی گفت که: پسر او تحت تأثیر یکی از آهنگ‌های (رپ) قرا ر گرفته که خود کشی را تبلیغ می‌کند و یک پزشک نیز گفت که گوش دادن به این آهنگ‌ها باعث تضعیف حس شنوایی می‌شود. (۱۴۹)

نظر خواننده‌ی مشهور ایتالیایی درباره‌ی موسیقی

فرانکو باتیاتو یکی از خوانندگان مشهور ایتالیایی که موسیقی (راک) را رها کرده است طی اظهار نظری در مورد موسیقی راک گفت:

انسان کافیست پیام‌های برخی گروه‌های راک را گوش دهد تا شیطان پرست شود. وی افزود:

بسیاری از گروه‌های راک دچار نوعی تشنج رفتاری شده و پیام‌های شیطانی را در موسیقی خود وارد می‌کنند.

در چهان امروز واقعیت‌ها با حماقت و بی‌کفایتی اعلام می‌شود و لذا جوانان را باید مطلع کرد.

او که به عارف موسیقی ایتالیایی مشهور شده است در حال حاضر طرفداران زیادی دارد. باتیوتا تنها خواننده‌ی غربیست که برای پاپ رهبر کلیسای کاتولیک واتیکان آواز خوانده است.

(۱۵۰)

رئیس انجمن شهر کوتابارو مرکز ایالت کلانتان مالزی رقص و آواز را ممنوع کرد. ایشان گفت:

مقامات دولتی معتقدند:

رقص و آواز منجر به رفتارهای غیر اخلاقی می‌شود. (۱۵۱)

ضررهای موسیقی بر آب

تحقیقاتی را که یک محقق ژاپنی پیرامون این مسأله (ضررهای موسیقی بر آب) نموده را بررسی می‌نماییم. البته تحقیقات او وسیع است و ما فقط بخشی از تحقیقات و پژوهشهای موسیقی آن را ک از مجله سروش جوان برای شما انتخاب شده، خدمت شما عزیزان ارائه می‌نماییم.

این تحقیقات پیرامون آب و اثرات مختلفی که از اطراف خود می‌گیرد می‌باشد.

این محقق ژاپنی به نام ن ماسارو ایی موتو» دید تازه‌ای نسبت به آب پیدا کرده که این چنین بیان می‌کند:

آب برای ما انسانها پیام بسیار مهمی دارد، آب به ما می‌گوید:

نگاه بسیار عمیق تری به خود بیندازیم.

اگر در آیینه آب به خودمان نگاه کنیم پیامش را با شفافیت و وضوح شگفت انگیزی در خواهیم یافت. می‌دانیم که حیات بشر با کیفیت آب ارتباط مستقیم دارد. چه آبی که درون بدن ماست و چه آبی که اطراف ما را احاطه نموده است.

«ایی موتو» یافته‌های خود را در کتاب بسیار مهمی منتشر کرده که نتیجه‌ی پژوهش‌های وی در سطح بین المللی است.

آقای ایی موتو با استفاده از مدارک مبتنی بر واقعیات نشان می‌دهد که نیروهای ارتعاش انسان مثل افکار، کلام، تصورات و موسیقی بر ساختار مولکولی آب اثر می‌گذارد. توجه شما را به این مطلب جلب می‌کنم که: بدن ما از هفتاد در صد آب تشکیل یافته و همین میزان از سطح زمین را نیز تشکیل می‌دهد. آب سرچشمه حیات در کره ماست کیفیت و سلامت آن برای هر یک از اشکال حیات بی‌اندازه مهم است.

بدن انسان شباهت زیادی به یک اسفنج دارد که از تریلیاردها حفره به نام سلول تشکیل شه که مایعات را درخود نگه می‌دارد.

ارتباط کیفیت زندگی ما با کیفیت آب در بدنمان کاملاً مستقیم است.

آب مایعیست بسیار انعطاف پذیر، شکل فیزیکی خود را با هر محیطی که در آن قرار بگیرد وفق می‌دهد، اما علاوه بر ظاهر فیزیکی شکل مولکولی آب هم تغییر می کند.

انرژی یا ارتعاشات محیط باعث تغییر شکل مولکولی آب می‌شود، از اینظر آب نه تنها قابلیت بازتاباندن محیط را دارد – آن هم به طرزی که می‌بینیم – بلکه محیط خود را در سطح مولکولی هم انعکاس می‌دهد. آقای «ایی موتو» با به کار گیری یک شیوه خاص عکس برداری، تغییرات مولکولی آب را برای ما قابل رؤیت نموده. او قطره‌های آب را منجمد می کند، سپس آنها را در زیر میکروسکوپی که زمینه تیره رنگ و قابلیت عکسبرداری دارد، مورد مطالعه قرار می‌دهد. کار او تنوع ساختاری مولکول آب و تاثیر محیط را بر روی آن به روشنی نشان می‌دهد. آقای ایی موتو تصمیم گرفت تأثیر موسیقی را در شکل گیری بلورهای آب مورد مطالعه قرار دهد. شیشه آب مقطر را بین دو بلندگو قرار داد و برای آن چند ساعت موسیقی پخش کرد، صبح روز بعد آب را منجمد نموده و از بلورها عکس گرفت؛ عکس‌ها تأثیر بازتابهای حیرت انگیز آب را مورد توجه او قرار داد، او وقتی موسیقی هوی متال – که از موسیقی‌های پر ارتعاش است – برای آب پخش کرد و از بلورهای آب عکس گرفت متوجه شد که بلورهای آب شکسته شده‌اند و شکل منظمی که بلورهای آب داشته از بین رفته و نابود شده است.

(۱۵۲)

حال شما دقت بفرمایید بدن ما که از ۷۰ در صد آب تشکیل شده و در تمامی سلولهای ما نیز وجود دارد، وقتی موسیقی‌های مبتذل و طرب آور با آن برخورد کند روی آنها چه تأثیرات مخرب و نابود کننده‌ای خواهد گذاشت؟ دیگر قضاوت و داوری را به عهده‌ی فکر باز و شکوفای خودتان می گذاریم که انشاء الله با فهم و اندیشه والای خود تصمیم زیبایی نسبت به این دستور شرع مقدس اسلام بگیرید.

فصل هشتم؛ داستانهایی پیرامون موسیقی و غنا

۱ – حضور عالم درباری به مجلس مطرب استاندار اموی

شعبی، که از فقهای اهل تسنن و از تابعین محسوب است و یکی از قاضیان خلفای بنی امیه بود، اسمش ابوعمرو عامر بن شراحیل کوفی است، وارد شد بر بُشر بن مروان که والی عراق از طرف برادرش عبدالملك بن مروان (خلیفه‌ی اموی) بود و نزد او کنیزی بود که در دامنش عودی (که از وسایل موسیقی است) داشت. هنگامی که شعبی وارد شد دستور داد آن کنیز عودش را کنار گذاشت، پس از آن شعبی به او گفت:

سزاوار نیست برای امیر که از بنده‌ی خودش شرم کند.

او هم جواب داد:

راست گفتی! سپس به آن کنیز گفت:

بیاور آنچه نزد توست.

آن کنیز هم عودش را گرفت به نواختن و آوازه خواندن کرد. (۱۵۳)

۲ – مامون و مطرب پسر و دختر

برای مامون (خلیفه‌ی عباسی) گروهی از آوازه خوانان موسیقی بودند و در آنها جوانی به نام سوسن بود که زیبایی داشت. روزی آوازه‌ای می‌خواند که یکی از کنیزانش نظرش به او (سوسن) افتاد و با او در آویخت و بعداً هرگاه سوسن به آواز می‌آمد، آن کنیز

هم با سازَش به نواختن مشغول می‌شد و هم آواز می‌شد و هر گاه سوسن نبود، خود داری می کرد، تا آنکه مامون او را تهدید کرد که حقیقت را بگوید. جواب داد:

در پس پرده با او آشنا شدم و با او در آویختم. مامون کنیزک را به آن آوازه خوان بخشید و گفت:

دیگر به من نزدیک نشو. (۱۵۴)

۳ – نهی منکر ابوبصیر از مجلس می‌گساری و موسیقی همسایه اش

از ابی بصیر است که گفت:

من همسایه‌ای داشتم که از اعوان سلطان جور بود و مالی به دست آورده بود و کنیزان مغنیه‌ای گرفته بود و پیوسته انجمنی از جماعت اهل لهو و لعب و عیش و طرب آراسته و شراب می‌خوردند و مغنیات برای او می‌خواندند و به جهت مجاورت با او پیوسته من در اذیت و صدمه بودم از شنیدن این منکرات، لاجرم چند دفعه به سوی او شکایت کردم، او مُرتَدِع نشد و بالاخره در این باب اصرار و مبالغه‌ی بی‌حد کردم. جواب گفت مرا که: ای مرد، من مردی هستم مبتلا و اسیر شیطان و هوا و تو مردی هستی مُعافی (از اسارت شیطان رها)، پس اگر حال مرا عرضه داری خدمتِ صاحبت یعنی حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَام امید می‌رود که خدا مرا از بند نفس و هوا نجات دهد.

ابوبصیر گفت:

کلام این مرد در من اثر کرد، پس صبر کردم تا گاهی که از کوفه به مدینه رفتم، چون شرفیاب شدم خدمت امام عَلَیْهِ السَّلَام حال همسایه را برای آن جناب نقل کردم.

فرمود:

وقتی به کوفه برگشتی، او به دیدن تو می‌آید، پس به او بگو جعفر بن محمد می گوید ترک کن آنچه را که به جا می‌آوری از منکرات الهی، تا من ضامن شوم از برای تو بر خدا بهشت را. پس چون به کوفه مراجعه کردم مردم به دیدن من آمدند، آن مرد نیز به دیدن من آمد، چون خواست برود، من او را نگاه داشتم تا آنکه منزلم از واردین خالی شد، پس او را گفتم که: ای مرد، همانا حال تو را به جناب صادق عَلَیْهِ السَّلَام عرض کردم، فرمود:

که او را سلام برسان و بگو ترک کند آن حال خود را و من ضامن می‌شوم بهشت را برای او. آن مرد از شنیدن این کلمات گریست و گفت:

تو را به خدا سوگند که جعفر بن محمد علیهما السلام چنین گفت؟ من قسم یاد کردم که چنین فرمود.

گفت:

همین بس است مرا، این بگفت و برفت. پس از چند روزی که گذشت نزد من فرستاد و مرا نزد خود طلبید، چون در خانه‌ی او رفتم دیدم برهنه در پشت در است و می گوید:

ای ابوبصیر، آنچه در منزل خود از اموال داشتم بیرون کردم و الآن برهنه و عریانم چنانکه مشاهده می کنی. چون حال آن مرد را دیدم نزد برادران دینی خود رفتم و از برای او لباس جمع کردم و او را به آن پوشاندم. چند روزی نگذشت که باز به سوی من فرستاد که من علیل شده‌ام، نزد من بیا. پس پیوسته به نزد او می‌رفتم و می‌آمدم و او را معالجه می کردم، تا وقتی که مرگش در رسید من بر بالین او نشسته بودم و او مشغول جان کندن بود که ناگاه حالت غشی او را عارض شد، چون به هوش آمد گفت:

ای ابوبصیر، صاحبت جعفر بن محمد علیهما السلام وفا کرد برای من به آنچه وعده فرموده بود، این بگفت و دنیا را وداع نمود.

پس از مردن او چون به سفر حج رفتم، همین که به مدینه رسیدم و خواستم خدمت امام خود شرفیاب شوم، درب خانه استیذان

(اذن) خواستم و داخل شدم، چون داخل خانه شدم یک پایَم در دالان بود و یک پایم در صحنِ خانه که حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَام از داخل اطلاق مرا صدا زد:

ای ابوبصیر، ما وفا کردیم برای رفیقت آنچه را که ضامن شده بودیم. (۱۵۵)

۴ – حکایت ابونصر فارابی در مجلس سیف الدوله

در اینجا بد نیست داستان حکیم و فیلسوف مسلمان شیعی، معلم ثانی، شیخ ابونصر فارابی را که در همه‌ی علوم، مجتهد و مبتکر و از جمله موسیقیدان نیز بوده بشنوید.

روزی در لباس ترک‌ها قبل از آنکه کسی او را شناسایی کند به مجلس سلطان سیف الدوله وارد شد و مجلس او محل اجتماع دانشمندان بود.

فارابی (۱۵۶) از میان جمعیَّت حاضرین عبور کرد تا به مسند خودِ سیف الدوله رسید و با همان لغت و زبان ساختگی مخصوصی که سیف الدوله با خواص درباریان سخنان خصوصی می گفت سخن گفت، سپس از چنته‌ی خود یک عودی در آورد و تارهای آن را منظم کرده و بنواخت که از آن همه‌ی اهل مجلس به خنده در آمدند، سپس تارهای آن را طور دیگری تنظیم کرد و بنواخت که از آن همه‌ی اهل مجلس به گریه در آمدند، سپس تارهای آن را به شکل دیگر تنظیم کرد و بنواخت که از آن همه‌ی اهل مجلس به خواب رفتند و در حال خواب مجلس را ترک کرد و از آنجا خارج شد.

(۱۵۷)

در این قضیه ملاحظه می کنید یک موسیقیدان موسیقی نواز در مجلس سلطان و حاکم بر ممالک اسلامی و جمعیَّتی از دانشمندان چگونه روحیه‌ی همه را تحت سیطره‌ی خویش در آورد و ساعتی آنها را به هر شکلی خواست ساخت و به هر عالمی از تخیلات مورد نظرش به حرکت برد و غرق در آن نمود. این نمونه‌ی از سازندگی عمیق و موثر موسیقیست و سایر اقسام آن نیز به همین طریق و همگی جز به پرواز در آوردن روح در فضای اوهام درونی چیز دیگری نیست.

آیا این هنر عمیق مؤثر نباید مؤکَّداً و عمیقاً تحریم شود؟

موضوع قدرت نمایی یک موسیقی نواز بر روحیه‌ی حاکمان و سلاطین و خلفاء و فرمانفرمایان ممالک، چیز کوچکی نیست، آنها با چیره شدن بر روحیه‌های آن حاکمانِ صاحب قدرت، بر سرنوشت میلیون‌ها انسان چیره خواهند شد و بالاتر از آن هنگامی که وسایل انتقال صوت و امواج رادیویی و تلویزیونی به دست آنها قرار گیرد و همچنین مردم عادت به این نوع چیزها پیدا کنند.

شما در فعالیت‌های مطربان و موسیقی دانان در دربارهای خلفاء و سلاطین که برخی از داستان‌های آنها را ذکر نمودیم تامل و دقت کنید و اثر سوء آن را در سرنوشت ملت بیچاره فکر کنید و بیندیشید که آیا این هنر مؤثر، مثبت، عمیق باید حرام باشد یا حلال؟

(۱۵۸)

۵ – یزید بن عبدالملک

الف: اصفهان می گوید:

یزید بن عبدالملک معبر خواننده را احضار کرد. معبر ترانه‌ای خواند که خلیفه را به طرب آورد و فریاد زد:

احسنت. پدر و مادرم فدایت.

دوباره معبر همان ترانه را تکرار کرد و یزید نیز گفته خود را تکرار کرد. لحظاتی بعد یزید از خود بی‌خود شد و به کنیزانش گفت: هر کار من کردم شما هم بکنید، سپس به دورخانه می‌چرخید و کنیزان نیز می‌چرخیدند و چنین می‌خواند:

ای خانه مرا بچرخان و ای زمان مرا آرام کن! ای معشوقه من مرا رها نکن و به خاطر خدا به من رحم کن و سوگندت را فراموش نکن.

یزید آنقدر همانند کودکان به دور خانه گردید، تا بی‌حال بر روی زمین افتاد. غلامان و کنیزان به سویش رفتند و او را به اندرون بردند. (۱۵۹)

چقدر زشت و ناپسند است که خلیفه‌ای زمام امور را به دست دارد، در برابر خواننده‌ای این گونه به گرد خانه بچرخد و کنیزان و حضار او را به باد سخره و استهزاء بگیرند.

ب: مورخین پیرامون یزید بن ولید نیز نقل کرده‌اند:

هنگامی که یزید به خلافت رسید نامه‌ای به والی خودش در مدینه نوشت و از او خواست که خواننده‌ای به نام «عَطَرَّد» را نزد او بفرستد خود عَطَرَّد چنین می گوید:

بر یزید وارد شدم در حالی که در برابرش ظرف زیبایی قرار داشت که لبالب از شراب بود و مردی آن را در پیمانه می‌کرد. به خدا سوگند همین که به او سلام کردم گفت:

آیا تو عَطَرَّد هستی؟ گفتم:

آری ای امیرالمؤمنین.

گفت:

ای اباهارون (لقب عَطَرَّد) به دیدار تو علاقه‌مند بودم برایم بخوان.

برایش خواندم به خدا سوگند هنوز برنامه‌ام تمام نشده بود که ردائش را در آورد و خود را درون تشت شراب انداخت و ن قدر نوشید که عقلش زایل شد هنگامی که بیرون آمد، همانند دیوانه‌ای شده بود که عربده می‌کشید. من آن رداء را برداشتم و بیرون آمدم.

فردای آن روز نیز یزید مرا احضار کرد و من نیز برایش ترانه‌ای خواندم. یزید نیز ردایش که بر روی آن شیء همچون طلا می‌درخشید را به کناری افکند، سپس خود را درون تشت افکند و از روز گذشته بیشتر نوشید و سپس همانند مرده‌ای مست در حالی که فریاد می‌کشید بیرون آمد و به خواب رفت و من نیز جامه را برداشتم و بیرون آمدم. (۱۶۰)

این در حالیست که در مجلس غناء، دلقکان و بازیگران نیز حاضر می‌شدند و گویا این افراد نیز در شکوه این مجالس نقش به سزایی داشتند. یکی از این افراد اشعث بود.

گفته‌اند:

ولید بن یزید او را احضار کرد و به ا لباسی از پوست میمون پوشاند و دُمی بر آن آویزان کرد و به او گفت:

برقص و بخوان. (۱۶۱)

۶ – در کوچه‌های بغداد

حضرت موسی بن جعفر عَلَیْهِ السَّلَام، در یکی از کوچه‌های بغداد می‌گذشت از خانه‌ای آوای زنان آوازه خوان به گوشش رسید حضرت که با تعجب و تأسف از کنار دیوار می‌گذشت کنیزکی دید که برای ریختن خاکروبه به کوچه آمد.

فرمود:

ای کنیزك این خانه مال کیست؟

عرض کرد:

مال مردی از مشاهیر این شهر به نام بِشر است، فرمود او آزاد است یا بنده؟ عرض کرد:

آزاد است و بندگان زیادی دارد.

حضرت فرمود:

راست گفتی او آزاد است که چنین به لهو و لعب آغشته شده و اگر او بنده بود هرگز در برابر مولای خود چنین گستاخ نبود و مرتکب چنین گناه نمی شد.

امام از آن محل گذشت و کنیزک به خانه برگشت و سؤال و جواب را با همان بیان به (بشر) در حالی که بر سر بساط شراب نشسته بود گفت، این بیان جالب و موعظه‌ی سودمند و منطق حکیمانه آن چنان در دل او اثر گذاشت و به طوری او را تکان داد که بی‌اختیار از جای جست و با پای برهنه شتابان به کوچه آمد و به دنبال حضرت روان شد تا این که به حضرت رسید و خود را به پاهای مبارکش انداخت و بوسه داد و سپس با چهره‌ای اشک آلود گفت:

آقا! تا این دقیقه غافل بودم و در مقابل مولای خود گستاخانه رفتار می‌کردم و مرتکب گناه بی‌شماری شدم ولی با آن بیانی که به کنیزک فرمودید تکان خوردم و دانستم که در اشتباهم آیا توبه‌ی من قبول است؟

حضرت فرمود:

بلی اما به شرط این که از تمامی آلودگی‌ها پشیمان باشی و دیگر غمزه‌های گناه دیدگانت را خیره نکند و بهتر است آلات و وسایل لهو و لعب را به دور افکنی، او چنین کرد و از زنان مغنیه و آوازه خوان گذشت و مسیر شیطانی را عوض کرده و به راه رحمانی قدم گذاشت و بالنتیجه به مقامات عالیه نائل آمد. (۱۶۲)

منابع و مآخذ

۱ – قرآن کریم

۲ – گناهان کبیره

۳ – عین الحیوة

۴ – بهشت جوانان

۵ – مکاسب محرمه شیخ انصاری

۶ – وسائل الشیعه

۷ – تفسیر نمونه

۸ – استفتائات مقام معظم رهبری

۹ – استفتائات آیت الله فاضل لنکرانی

۱۰ – حق الیقین

۱۱ – فقه الرضا عَلَیْهِ السَّلَام

۱۲ – تفسیر قمی

۱۳ – مجمع البیان

۱۴ – تفسیر شبر

۱۵ – جوان و موسیقی

۱۶ – کافی

۱۷ – تفسیر نورالثقلین
۱۸ – دعائم الاسلام
۱۹ – مستدرک الوسائل
۲۰ – بحارالانوار
۲۱ – فرهنگ عمید
۲۲ – الدر المنثور
۲۳ – تفسیر قرطبی
۲۴ – صحیفه‌ی نور
۲۵ – روزنامه کیهان
۲۶ – روزنامه جمهوری اسلامی
۲۷ – تعلیم و تربیت در اسلام
۲۸ – فجر اسلام
۲۹ – مجموعه آثار
۳۰ – مبانی فقهی و روانی موسیقی
۳۱ – نظری به موسیقی
۳۲ – اجوبهٔ الاستفتائات
۳۳ – مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع
۳۴ – پرسشها و پاسخهای دانشجویی
۳۵ – العروهٔ الوثقی
۳۶ – استفتائات میرزا جواد تبریزی
۳۷ – استفتائات مکارم شیرازی
۳۸ – ویژه نامه فرهنگ اسلام
۳۹ – موسیقی از نظر دین و دانش
۴۰ – مناظره دکتر و پیر
۴۱ – تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب
۴۲ – موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام
۴۳ – المنجد
۴۴ – المعجم الوجیز
۴۵ – المعجم الوسیط
۴۶ – تفسیر شریف لاهیجی
۴۷ – نیل الاوطار
۴۸ – الغدیر
۴۹ – جامع احادیث شیعه

۵۰ – تفسیر عیاشی

۵۱ – تفسیر جوامع الجامع

پی‌نوشت

(۱) اقرب الموارد ماده موسق ص ۱۲۵۲

(۲) المعجم الوجیز ص ۵۹۴

(۳) المعجم الوسیط ص ۸۹۱

(۴) موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام ص ۲۶ – ۲۷

(۵) عین الحیوهٔ ج۱ ص ۴۱۸

(۶) گناهان کبیره ج۱ ص ۲۶۵ – ۲۶۶

(۷) مکاسب محرمه شیخ انصاری رحمهٔ الله علیه بحث غناء

(۸) عین الحیوهٔ ج۱ ص ۴۱۸

(۹) همان ص ۴۱۸

(۱۰) گناهان کبیره ج۱ ص ۲۶۵ – ۲۶۶

(۱۱) عین الحیوهٔ ج۱ ص ۴۱۸

(۱۲) گناهان کبیره ج۱ ص ۲۶۵ – ۲۶۶

(۱۳) مکاسب محرمه ج ۱ ص ۲۱۰، بهشت جوانان ص ۳۴۳

(۱۴) نظری به موسیقی ج ۱ ص ۲۰۶

(۱۵) جوامع الجامع ج ۲ ص ۲۹۲

(۱۶) گناهان کبیره ج ۱ ص ۲۶۵

(۱۷) همان ص ۲۷۲

(۱۸) استفتائات مقام معظم رهبری ص ۳۴۸، س ۱۱۳۰

(۱۹) استفتائات آیت الله فاضل لنکرانی ج ۱ ص ۲۸۵، س ۱۰۰۶

(۲۰) همان ص ۲۸۵ س ۱۰۰۵

(۲۱) مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید ج ۱ ص ۶۵ – ۶۶

(۲۲) جامع المسائل، مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید ج۱ ص ۴۷ – ۴۸

(۲۳) وسائل الشیعه کتاب تجارت باب ۲۷

(۲۴) مانند روایت ابی بصیر از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام:
«رَجِّعْ بِالْقُرْآنِ صَوْتَکَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یُحِبُّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ» و مانند مرسله‌ی ابن ابی عمیر: «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ فَاقْرَءُوهُ بِالْحُزْنِ». (مستند کتاب شهادات ص ۴۶۵) (گناهان کبیره ج۱ ص۲۷۳)

(۲۵) تفسیر نمونه ج ۱۷ ص ۱۹ – ۲۷

(۲۶) گناهان کبیره ج ۱ ص ۲۷۲

(۲۷) جوان و موسیقی ص ۶۴ – ۶۵ به نقل از داستان‌های عبرت انگیز از مجازات گناهکاران ص ۱۹۶

(۲۸) گناهان کبیره ج ۱ ص ۲۷۳

(۲۹) یکی از آلات موسیقیست شبیه سه تار که دارای دسته‌ای دراز و کاسه‌ای کوچک می‌باشد.

فرهنگ عمید ص ۴۱۷

(۳۰) کافی ج ۶ ص ۴۳۱

لَمَّا مَاتَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَام وَ شَمِتَ بِهِ إِبْلِيسُ وَ قَابِيلُ، فَاجْتَمَعَا فِي الْأَرْضِ، فَجَعَلَ إِبْلِيسُ وَ قَابِيلُ الْمَعَازِفَ وَ الْمَلَاهِيَ شَمَاتَةً بِآدَمَ عَلَيْهِ السَّلَام، فَكُلُّ مَا كَانَ فِي الْأَرْضِ مِنْ هذَا الضَّرْبِ الَّذِي يَتَلَذَّذُ بِهِ النَّاسُ، فَإِنَّمَا هُوَ مِنْ ذَاكَ».

(۳۱) تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۴۰، ذیل آیه‌ی ۳۵ سوره بقره، بحار الانوار ج ۶ ص ۳۳ و وسایل الشیعه ج ۱۷ ص ۳۱۰.

كَانَ إِبْلِيسُ أَوَّلَ مَنْ نَاحَ وَ أَوَّلَ مَنْ تَغَنَّى وَ أَوَّلَ مَنْ حَدَا قَالَ لَمَّا أَكَلَ آدَمُ مِنَ الشَّجَرَةِ تَغَنَّى فَلَمَّا أُهْبِطَ حَدَا بِهِ فَلَمَّا اسْتَقَرَّ عَلَى الْأَرْضِ نَاحَ فَأَذْكَرَهُ مَا فِي الْجَنَّةِ

(۳۲) فخر اسلام ص ۱۷۷

(۳۳) مجموعه آثار ج ۱۴ ص ۳۶۵

(۳۴) حج / ۳۰

(۳۵) کافی ج ۶ ص ۴۳۱

عن ابی بصیر قال:

سألت اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَام عن قول الله عز و جل: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثان و اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّور» قال:

الغناء.

(۳۶) تفسیر نورالثقلین ج۳ ص ۴۹۶، وسایل الشیعه ج ۱۲ ص ۲۲۵

عن ابی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام قال فی قول الله عز و جل: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثان و اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّور» قال:

الرجس من الاوثان الشطرنج و قول الزور الغناء.

(۳۷) فرقان / ۷۲

(۳۸) فرقان / ۷۲

(۳۹) کافی ج ۶ ص ۴۳۱، المیزان ج ۱۵ ص ۲۶۵، دعائم الاسلام ج ۲ ص ۲۰۸ ح ۷۶۴ به نقل از مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۱۳ باب ۷۸ ح ۶.

عن ابی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام قال فی قوله عز و جل: «و الذین لا یشهدون الزور» قال:

الغناء.

(۴۰) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۱۷

(۴۱) نورالثقلین ج ۴ ص ۴۱، «و لا یشهدون الزور» ای مجالس الفساق و لا یحصرون الباطل...

(۴۲) تفسر شریف لاهیجی ج ۳ ص ۳۵۳

(۴۳) لقمان / ۶ و ۷

(۴۴) کافی ج ۶ ص ۴۳۱، عن ابی جعفر عَلَيْهِ السَّلَام قال:

سمعته یقول:

الغناء مما وعدالله عز و جل علیه النار و تلا هذه الآیه: «و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله به غیر علم و یتخذها هزواً اولئک لهم عذاب مهین».

(۴۵) کافی ج ۶ ص ۴۳۳، ابا عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام، یقول الغناء مجلس بان ینظر الله الی اهله و هو مما قال الله عز و جل: «و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله».

(۴۶) اسراء / ۳۸

(۴۷) کافی ج ۶ ص ۴۳۲ و مستدرک الوسایل ج۱۳ ص ۲۲۱

(۴۸) گناهان کبیره ج ۱ ص ۲۶۷

(۴۹) حق الیقین ص ۵۶۵

(۵۰) لقمان / ۶

(۵۱) فقه الرضا عَلَيْهِ السَّلَام ص ۳۸ به نقل از مستدرک ج ۱۳ ص ۲۱۳ باب ۷۸ ح ۹ ط بیروت

(۵۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۶۱

(۵۳) مجمع البیان ج ۸ ص ۳۱۳

(۵۴) تفسیر شبر ص ۳۹۱ ط بیروت.

(۵۵) مؤمنون / ۳

(۵۶) تفسیر نورالثقلین ج ۳ ص ۵۳۹، بحارالانوار ج ۷۶ ص ۲۴، سوره مؤمنون / ۳

(۵۷) نجم / ۵۹ – ۶۱

(۵۸) موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام ص ۱۲۲ به نقل از البشائر ج ۳ ص ۴۵۴

(۵۹) الغدیر ج ۸ ص ۶۸

(۶۰) مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۱۹ چ جدید و چ قدیم ج ۲ ص ۴۵۸، نیل الاوصار ج ۸ ص ۲۶۲، درالمنثور ج ۲ ص ۳۲۳.

(۶۱) کافی ج ۶ ص ۴۳۳، «بیت الغناء لا تومن فیه الفجیعه و لا تجاب فیه الدعوه و لا یدخله الملک».

(۶۲) کافی ج ۶ ص ۴۳۴، «ضرب الله العیدان ینبت النفاق فی القلب کما ینبت الماء الخضراء».

(۶۳) الدر المنثور ج ۵ ص ۳۰۸، مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۴۵۷ چ قدیم، ج ۱۳ ص ۲۱۴ چ جدید، بحارالانوار ج ۷۳ ص ۲۴۷

(۶۴) همان ۵ ص ۳۰۸ ...، «ایاکم و العناد فانه ینقص الحیاء و یزید فی الشهوه و یهدم المروه و انه لینوب عن الخمر و یغفل ما یفعل لسکر فان کنتم لا بد فاعلین فجنبوه النساء، فان الغناء داعیه الزناء.»

(۶۵) غنا و موسیقی از دیدگاه سلام ص ۱۴۱

(۶۶) کافی ج ۶ ص ۴۳۲، «من انعم الله علیه بنعمه فجاء عند تلک النعمه بمزمار فقد کفرها و من اصیب بمصیبه فجاء عندک تلک المصیبه بنائحه فقد کفرها»

(۶۷) کافی ج ۶ ص ۴۳۲، «ان الشیطان یقال له: القفندر اذا ضرب فی منزل رجل اربعین یوماً بالبربط و دخل علیه الرجال وضع ذلک الشیطان کل عضو علی مثله من صاحب البیت ثم نفخ فلا یغار بعدها حتی تؤتی نساء ه فلا یغار».

(۶۸) مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۱۸، «لا ـ تدخل الملائکه بیتاً فیه خمرٌ او طنبور او نرد و لا ـ تستجاب دعاء وهم و ترفع عنهم البرکه».

(۶۹) مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۱۹ چ جدید و چ قدیم ج ۲ ص ۴۵۹، تفسیر قرطبی ج ۱۴ ص ۵۴، «یحشر صاحب الطنبور یوم القیامه و هو اسود الوجه و بیده طنبور من نار و فوق رأسه سبعون الف ملک بید کل ملک مقمعه یضربون راسه و وجهه و یحشر صاحب الغنا من قبره اعمی و اخرس و ابکم و یحشر الزانی مثل ذلک و صاحب المزمار مثل ذلک و صاحب الدف مثل ذلک».

(۷۰) نظری به موسیقی ج ۲ ص ۳۲۴، به نقل از درالمنثور ج ۲ ص ۳۲۴

(۷۱) گناهـان کبیره ج ۱ ص ۲۵۹، «انمـا حرم الله الصـناعه التی هی حرام کلهـا التی جیء منهـا الفساد محضاً نظیر البربط و المزامیر و الشـطرنج و کل ملهوبه الصـلبان و الاصـنام و ما اشـبه ذلک الی ان قال عَلَیْهِ السَّلَام فحرام تعلیمه و العمل به و اخذ الاجره علیه و جمیع التقلب فیه من وجوه الحرکات»

(۷۲) مجمع البیـان ج ۸ ص ۳۱۳، «لاـ یحـل تعلیم المغنیـات و لا بیعهن و اثمانهن حرام و قـد نزل تصـدیق ذلک فی کتاب الله «و من الناس من یشتری لهو الحدیث»...

(۷۳) کافی ج ۶ ص ۴۳۴، «من نزه نفسه عن الغناء فان فی الجنه شـجره یأمرالله عز و جل الریاح ان تحرکها لها صوتاً لم یسمع بمثله و من لم یتنزه عنه لم یسمعه».

(۷۴) جوان و موسیقی ص ۲۰ و ۲۱ به نقل از مهدی منتظر ص ۱۴۵

(۷۵) جوان و موسیقی ص ۲۲ به نقل از المخازن ج ۱ ص ۳۱۱، جامع احادیث شیعه ج ۲۲ ص ۲۴۸ ح ۳۱۹۹۱

(۷۶) صحیفه‌ی نور ج ۸ ص ۱۹۷ تا ۲۰۱

(۷۷) همان ج ۹ ص ۱۵۵

(۷۸) همان ج ۱۲ ص ۱۸۰

(۷۹) دیدار با جوانان در دومین روز دهه فجر سال ۷۷، روزنامه جمهوری اسلامی یک شنبه ۱۸ بهمن ۷۷

(۸۰) روزنامه کیهان ۸ / ۱۲ / ۱۳۷۹

(۸۱) تعلیم و تربیت در اسلام ص ۷۰ تا ص ۷۳

(۸۲) مبانی فقهی و روانی موسیقی صص ۲۰ – ۳۰

(۸۳) بی‌نظمی در این دو اعضا مشکلات زیر را به همراه دارد:

۱ – اضطراب گوناگون

۲ – عصبانیت

۳ – سستی

۴ – بی‌ارادگی

۵ – سر گیجه

۶ – صُراع

۷ – مالیخولیا

۸ – نفخ معده

۹ – تحریکات قلبی

۱۰ – تپش قلب

۱۱ – بی‌نظمی

۱۲ – آنژین صدری

۱۳ – انقباضات عروقی

۱۴ – اختلالات غـدد ترشـح داخلی و خصوصاً تخمدان و تیرویید ۱۵ – اسـپاسم لوله گوارشی ۱۶ – آسـم (تنگی نفس) ۱۷ – نزله‌ی انقباضی و ... تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب، ص ۳۸

(۸۴) هنری باروک می‌گوید:

نوعی بیماری روانی است که شخص بیمار گاهی می‌خندد و بعضی از اوقات از خود ترشرویی نشان می‌دهد و گاهی گرفته و غمگین است.

(۸۵) نوعی مرض روحیست که شخص ادعاهای بی مورد کرده و خود را شریفتر وبالاتر از همه می‌داند.

(۸۶) یک نوغ بیماری روانی است که مورد بحث وتوجه روانکاوان است این بیماری شدت آن گاهی به جایی می‌رسد که طرف، خود را برای هلاکت خود قیام کرده، خویش را به آب و آتش می‌اندازد، مسموم می‌کند، خود را به زیر اتومبیل معشوق رها می‌کند و این بیماری گاهی شخص را به تیمارستان می‌کشاند. تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب، ص ۹۶

(۸۷) مبانی فقهی و روانی موسیقی، ص ۳۳

(۸۸) نظری به موسیقی ج ۱ ص ۱۳۱

(۸۹) همان ج ۱ ص ۱۳۳

(۹۰) همان ج ۱ ص ۱۳۴

(۹۱) همان ج ۱ ص ۱۳۴ - ۱۳۵ مراجعه شود به: سنن بیهقی ج ۱ ص ۲۲۳، نقد العلم و العلماء ابن جوزی ص ۲۵۰، تفسیر زمخشری ج ۲ ص ۴۱۱، تفسیر قرطبی ج ۱۴ ص ۵۲، ارشاد الساری ج ۹ ص ۱۶۴، درالمنثور ج۵ ص ۱۵۱، کنزالعمال ج ۷ ص ۳۳۳، تفسیر الخازن ج۳ ص ۴۶، تفسیر شوکانی ج ۴ ص ۲۲۸، نیل الاوطار ج۸ ص ۲۶۴، تفسیر آلوسی ج ۲۱ ص ۶۷ - ۶۸، الغدیر ج ۸ ص ۶۷ - ۷۴

(۹۲) موسیقی از نظر دین و دانش، بهشت جوانان، ص ۳۵۵ - ۳۵۶

(۹۳) موسیقی از نظر دین و دانش، ص ۳۰

برادران و خواهران عزیز جهت اطلاع در مورد موسیقی غیر از کتبی که در پاورقی اسامی آنها ذکر شده به این کتاب‌ها هم مراجعه فرمایید:

۱ - راز کامیابی مردان بزرگ

۲ - تاریخ موسیقی نویسنده لرست دلین

۳ - تاریخ موسیقی سعدی حسنی

۴ - مناظره دکتر و پیر

۵ - بناهای اجتماعی قرن‌ها

۶ - گناهان کبیره

۷ - اندیشه‌ها و اندرزها

(۹۴) موسیقی از نظر دین و دانش، ص ۳۱

(۹۵) همان

(۹۶) تأثیر موسیقی یر روان و اعصاب، ص ۱۳۳ومناظره دکتر و پیر، ص ۴۵۲

(۹۷) تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب، ص ۱۳۴

(۹۸) همان، ص۱۳۴و مناظره دکتر و پیر، ص ۴۵۲ - ۴۵۳وموسیقی از نظر دین و دانش، ص ۵۲

(۹۹) همان، ص ۱۳۵

(۱۰۰) موسیقی از نظر دین و دانش، ص ۴۷

(۱۰۱) همان (می خواهد قانون وراثت را هم ثابت کنند)

(۱۰۲) همان، صفحه ۵۲

(۱۰۳) مناظره دکتر ویپر، ص ۴۴۷

(۱۰۴) اجوبهٔ الاستفتائات ج ۲ ص ۴۲

(۱۰۵) مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع ج ۳ ص ۷۹ – ۸۰

(۱۰۶) مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع ج ۳ ص ۷۷ – ۷۸

(۱۰۷) مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید ج ۳ ص ۸۳ – ۸۵

(۱۰۸) مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید ج ۲ ص ۵۹ – ۶۰

(۱۰۹) اجوبهٔ الاستفتائات ج ۲ ص ۲۵

(۱۱۰) مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید ج ۳ ص ۹۵ – ۹۶

(۱۱۱) مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید ج ۳ ص ۹۱ – ۹۲

(۱۱۲) مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید ج ۱ ص ۷۱ – ۷۲

(۱۱۳) مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید ج ۴ ص ۱۹۹ – ۲۰۰

(۱۱۴) پرسشها و پاسخهای دانشجویی ص ۴۷

(۱۱۵) همان ۴۷

(۱۱۶) همان ص ۴۷

(۱۱۷) همان ص ۴۸

(۱۱۸) استفتائات میرزا جواد تبریزی س ۱۰۵۹، استفتائات مکارم شیرازی ج ۲ ص ۶۹۵

(۱۱۹) العروهٔ الوثقی ج ۱ (التقلید) م ۶۷

(۱۲۰) پرسشها و پاسخهای دانشجویی ص ۳۷ – ۳۸

(۱۲۱) پرسشها و پاسخهای دانشجویی ص ۵۴

(۱۲۲) بهشت جوانان ص ۳۷۰، فرهنگ اسلام ۲۰ / ۱ / ۷۷، ویژه نامه فرهنگ اسلام بهار ۱۳۷۸

(۱۲۳) بهشت جوانان ص ۳۷۱، ویژه نامه فرهنگ اسلام بهار ۷۸

(۱۲۴) بهشت جوانان ص ۳۷۲ به بعد

(۱۲۵) پرسشها و پاسخهای دانشجویی ص ۶۹

(۱۲۶) همان ص ۷۰

(۱۲۷) همان ص ۷۰

(۱۲۸) همان ص ۷۰

(۱۲۹) همان ص ۷۰

(۱۳۰) پرسشها و پاسخهای دانشجویی ص ۷۱

(۱۳۱) همان ص ۷۱

(۱۳۲) همان ص ۷۲

(۱۳۳) همان ص ۷۲

(۱۳۴) پرسشها و پاسخهای دانشجویی ص ۷۳

(۱۳۵) همان ص ۷۳

(۱۳۶) همان ص ۷۳

(۱۳۷) همان ص ۷۴

(۱۳۸) گناهان کبیره، ج ۱، ص ۲۶۲ - ۲۶۴ نقل از رساله‌ی تأثیر موسیقی بر اعصاب، ص ۳

(۱۳۹) گناهان کبیره، ج ۱، ۲۶۴

(۱۴۰) همان، ص ۴۴۵ - بهشت جوانان ص ۳۵۸

(۱۴۱) بهشت جوانان ص ۳۵۶ - تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب نقل از مجله روشنفکر ش ۵۵۶- ص ۲۶

(۱۴۲) بهشت جوانان، ص ۳۵۹ - تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب نقل از مجله جوانان سال چهارم

(۱۴۳) تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب نقل از مجله امید ایران، ش ۸۳۵، ص ۲۵

(۱۴۴) موسیقی از نظر دین و دانش، ص ۲۰ - بهشت جوانان، ص ۳۵۹

(۱۴۵) بهشت جوانان، ص ۳۶۰ - موسیقی از نظر دین و دانش، ص ۲۰

(۱۴۶) بهشت جوانان، ص ۳۶۰ - تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب ص ۸۳ نقل از مجله روشنفکر ش ۷۹۰، ص ۵۴

(۱۴۷) سوره انعام /

۶ - اعراف / ۹۶ - هود ی ۵۲ - عنکبوت / ۴۰ - طلاق / ۲و۳و۴ - نوح / ۱۰و۱۲

(۱۴۸) بهشت چوانان، ۳۶۱ - به نقل ار کتاب تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان - موسیقی از نظر دین و دانش - تاریخ موسیقی از سعدی حسنی

(۱۴۹) بهشت چوانان، ص ۳۶۳ - به نقل از مجله صبح، ش ۷۶، آذر ۷۶، ص

۹ - نشریه شلمچه ش ۲۰ نیمه اول آذر ۷۶

(۱۵۰) روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۴ بهمن، سال ۷۷

(۱۵۱) مجله زن، ۲۲ مهر سال ۷۴ و ۶ آبان ۷۴، ص ۷ - بهشت جوانان، ص ۳۶۴

(۱۵۲) سروش جوان شماره ۴۲، سال چهارم.

(۱۵۳) نظری به موسیقی ج ۱ ص ۱۱۲ به نقل از عقد الفرید ج ۶ ص ۱۴

(۱۵۴) نظری به موسیقی ج ۱ ص ۱۱۰ - ۱۱۱ به نقل از عقدالفرید ج ۶ ص ۶۰

(۱۵۵) نظری به موسیقی ج۱ ص ۱۱۹ - ۱۲۰، به نقل از منتهی الآمال ج۲ ص ۸۹ - ۹۰

(۱۵۶) «قانون» که یکی از آلات نوازندگی موسیقی است، مبتکرش فارابی می‌باشد.

(۱۵۷) الکنی والالقاب ج ۳ ص

۲ - ۳

(۱۵۸) نظری به موسیقی ج۱ ص ۱۶۶ - ۱۶۷

(۱۵۹) الاغانی، لابی الفرج الاصفهانی ج ۱ ص ۶۸

(۱۶۰) الاغانی ج ۳ ص ۳۰۷

(۱۶۱) الاغانی ج ۳ ص ۳۰۷، از اوج تا فرود، نگاهی به جامعه‌ی اسلامی در عصر اموی نویسنده اسمیه العظم، ترجمه: سید مهدی علیزاده موسوی صص ۱۰۳ - ۱۰۷

(۱۶۲) واعظ خانواده ص ۲۳ - ۲۴ به نقل از منتهی الآمال ج ۲ ص ۱۲۶

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».